

زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!



راه پیمایی ده ها هزار کارگر در مراسم اول ماه مه تهران - ۱۳۷۹

نگاهی به
جنبش
کارگری -
سندیکایی
ایران در سالی
که گذشت

در صفحه ۵۰۴



شماره ۶۰۷، دوره هشتم
سال هفدهم، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۰

اسلحه پی بنام
«قانون»

به گزارش روزنامه «حیات نو»، دوشنبه ۳ اردیبهشت ماه، «نوار اظهارات عده ای از دستگیر شدگان اخیر و بخشی از اقرارهای مکتوب آنها توسط علیزاده، در اختیار اعضای فراکسیون اقلیت مجلس طی نشست اخیر آنان گذاشته شد.» رضا عبداللهی، نماینده ماهانشان، که این خبر را اعلام کرد، در پاسخ به این پرسش که نوار پخش شده در جلسه شما مربوط به چه کسانی بوده است، گفت: «ما در این نوار شاهد اعترافات ۱۵، ۱۶ نفر از دستگیر شدگان از جمله سبحانی و افشاری بودیم که توسط آقای علیزاده و دو تن از همکاران ایشان توضیح داده می شد.» همچنین به گزارش روزنامه «آفتاب یزد»، دوشنبه ۳ اردیبهشت ماه، قاسم زاده، نماینده بابل و عضو فراکسیون اقلیت، در پاسخ به این پرسش که «چرا قوه قضائیه خود مستقلاً وارد مسایل امنیتی شده است» از جمله گفت: «این سؤال از آقای علیزاده هم شد که ایشان در پاسخ گفتند در جریان کنفرانس برلین، ما از

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

- گاه شمار وقایع کارگری در
- سالی که گذشت صفحات ۷ و ۸
- واقعیت ها از زبان
- زحمتکشان صفحه ۹
- ضرورت مبارزه برای لغو
- قرار دادهای موقت صفحه ۱۰

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان ایران!

پیروزی جنبش آزادی خواهانه و دموکراتیک مردم ایران در گرو پیوند هدفمند مبارزات صنفی و سیاسی شما است. حزب توده ایران معتقد است که، باید کوشید تا با گسترش مبارزات صنفی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان و پیوند زدن آن به جنبش آزادی خواهانه کشور گامی بلند و ضرور در تدارک مراحل تعیین کننده و بعدی جنبش برداشت.

کارگران و زحمتکشان ایران!

مراسم اول ماه مه همت گمارده اند. امسال زحمتکشان روز جهانی کارگر را در شرایطی جشن می گیرند که نشانه های تعمیق بحرانی همه جانبه در اقتصاد سرمایه داری بیش از پیش آشکار شده است. بر رغم پیش بینی های خوش بینانه اقتصاد دانان سرمایه داری که مدعی اند «جهانی شدن» سرمایه و بهره گیری از فن آوری جدید امکان جلوگیری از بروز بحران های اولیه سرمایه داری را فراهم آورده است، در سال گذشته نمود های مهلک یک رکود اقتصادی فلج کننده که از ایالات متحده و ژاپن آغاز شده و در شرف سرایت به دیگر اقتصادهای قدرتمند سرمایه داری جهان است، کاملاً مشهود بوده است. اثرات این بحران اقتصادی، گسترش بی سابقه فقر و تهاجم برای تقلیل حقوق دموکراتیک کارگران جهان بوده است.

افشاء وسیع واقعیت های بحران مالی بین المللی و بی پایگی سراب سرمایه داری، جان تازه ای به جنبش جهانی بر ضد سرمایه داری و برای دست یابی به عدالت اجتماعی و برابری بخشیده است. بخش های وسیعی از مردم جهان، با مشاهده آثار فاجعه بار حاکمیت «نظم نوین» در ده ساله گذشته، به حمایت فعال از جنبش جدیدی که خواهان تغییرات بنیادینی در

ادامه در صفحه ۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی جهانی توده های کار را با درود های رزمجویانه به شما شادباش می گوید. پس از گذشت ۱۱۵ سال از روزی که کارگران شیکاگو طلایه دار مبارزه برای کاهش ساعت کار روزانه به ۸ ساعت شدند، و بر رغم پیروزی های مهم، اما به دلیل ادامه سلطه سیستم ظالمانه سرمایه داری، زندگی و کار کارگران و زحمتکشان در اکثر کشورهای جهان همچنان با دشواری ها و محرومیت های ضد انسانی روبه روست.

مبارزه کارگران در گوشه و کنار جهان بسته به سیستم سیاسی حاکم و درجه تشکیل طبقه کارگر و شرایط و امکانات موجود در هر کشوری شکل ویژه خود را می گیرد. در میهن ما ایران گوجه رژیم های سرکوبگر با توسل به سرکوب و تشبثات رنگارنگ سعی در جلوگیری از پیوستن کارگران و زحمتکشان به صفوف مبارزه کارگران جهان کرده اند، اما از سال ۱۳۰۱ تا کنون، کارگران هر ساله با وجود همه محدودیت ها و با وجود خطر دستگیری، سرکوب، اخراج و بیکاری، به برگزاری

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

پرونده سازی های ننگین «دادگاه» انقلاب

به عنوان یک تاکتیک و نه استراتژی مورد بحث قرار می گیرد و عنوان می شود، که گهگاهی ترور نیز مفید است. افراد دستگیر شده برای رسیدن به هدف خود در صدد بودند، تا اعتقادات قلبی و باورهای دینی مردم را سست کنند و به این منظور مستقیماً مقدسات دینی مردم را هدف قرار می دادند. گرچه موارد ذکر شده بر ضد دستگیر شدگان اخیر کاملاً مسخره به نظر می رسد اما واقعیت آن است که جنبش مردمی با نیرویی طرف است که خوی وحشی گری و اقدامات ضد انسانی آن بر ضد مبارزان در طی بیست و دو سال حکومت بر هیچ کس پوشیده نیست و به همین دلیل با موارد اعلام شده از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تهران باید برخورد جدی و هوشیارانه کرد. این مساله از آن رو با اهمیت است که گزارشاتی که اخیراً از داخل زندان های رژیم ولایت فقیه رسیده حاکی از آن است که شکنجه های روحی و روانی بر ضد زندانیان سیاسی به انواع و اشکال مختلف ادامه داشته و نگرانی های جدی در مورد وضع جسمی آنها را باعث گردیده است. در همین رابطه تعدادی از زندانیان سیاسی بر اثر فشارهای وارده دست به خودکشی زده اند و بعضی از آنها از جمله افشاری و مهندس سبحانی و اشکوری نامناسب است. حزب توده ایران همانطور که قبلاً متذکر شده است، معتقد است که تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی به عنوان مقدم ترین وظیفه برای تمامی نیروهای طرفدار اصلاحات باید در سرلوحه تمامی برنامه ها قرار گیرد. با اینکه اقدامات مثبتی در داخل و خارج از کشور به طور مستقل انجام گرفته اما به دلیل ناهماهنگی و عدم برنامه ریزی صحیح تاکنون نتایج مطلوبی را به همراه نداشته است. تشکیل انجمن و یا تشکیلی که در برگیرنده تمامی خانواده های زندانیان سیاسی باشد به همراه تشکیل سلسله سخنرانی ها و جلسات برای فشار آوردن بیشتر به رژیم ولایت فقیه یکی از راه کارهای عملی و موثر در این زمینه می تواند باشد. عدم توجه به این مهم جنبش را در معرض آسیب های جدی قرار خواهد داد. تنها از طریق فشار توده ای می توان رژیم ولایت فقیه را وادار به عقب نشینی کرد.

به گزارش «ایرنا»، ۳۱ فروردین، دادگاه انقلاب اسلامی تهران، با صدور اطلاعیه ای، بخشی از به اصطلاح اسناد و «اعترافات متهمین» دستگیر شده را منتشر و اعلام کرد که هدف آنها براندازی از راه نفوذ و تاثیر گذاری بوده است. با اینکه اطلاعیه اخیر دادگاه انقلاب اسلامی باعث نگرانی های فزاینده ای در بین مردم و خانواده های زندانیان سیاسی گردیده است اما همین اطلاعیه به خوبی نشانگر عجز و ناتوانی مرتجعان حاکم است. تمامی دلایلی که در این اطلاعیه بر ضد زندانیان سیاسی دستگیر شده آمده حتی در چارچوب قوانین ضد مردمی رژیم ولایت فقیه بی اعتبار است و همین امر نشان می دهد جناح حکومتی طرفدار سرکوب دیوانه وار برای جلوگیری از رشد و گسترش جنبش مردمی حاضر است دست به هر جنایتی زده تا چند صباحی دیگر بر اریکه قدرت بماند. در این اطلاعیه آمده است: «اکثریت دستگیر شدگان سابقه فعالیت در گروهک های ضد انقلاب و غیر قانونی و محکومیت دارند. دو نفر از دستگیر شدگان پس از پیروزی انقلاب با منافقین [مجاهدین] همکاری داشته اند. یکی از دستگیر شدگان تا سال ۶۷ ارتباط مستمر با منافقین داشته و دارای کد ارتباطی بوده است. دو نفر از دستگیر شدگان عضو یک گروه معاند بوده اند. یکی از متهمان اعتراف کرده که در چند نوبت از طرف یکی از سفارت خانه های خارجی در تهران با او تماس گرفته شده و لاقبل دوبرار قرار ملاقات داشته اند، که در یکی از آنها در خصوص انتخابات و برنامه های آینده مجلس اطلاعات و گزارش هایی را ارایه کرده است. گروه ملی مذهبی طی چند سال گذشته با سرکردگان بعضی از گروه های معارض از جمله چریک های فدایی، شورای ملی مقاومت و... ارتباط داشته و در مورد برنامه های خود به تبادل نظر پرداخته اند. از میان افراد بازداشت شده، عده ای در سفر به فرانسه در نشستی با حضور معاون وزیر امور خارجه و سفیر آمریکا در فرانسه شرکت می کنند. عناصر به اصطلاح ملی- مذهبی در جلسه ای که در تیر ماه گذشته در منزل یکی از دستگیر شدگان تشکیل شده بود، راه حل شورش و انفجار در ادامه براندازی را مطرح می کنند. یکی از متهمین در اعترافات خود می گوید، که هدف ما از برقراری ارتباط با انجمن های اسلامی دانشگاه ها این بود، که پیوند آنها را از نظر فکری با نظام سست کنیم، تا دانشگاه بتواند به نقد و درگیری با قدرت پردازد و به عنوان یک نهاد معترض، به اهرم فشار از پایین تبدیل شود. در یکی از جلسات گروه براندازی، که نوار و اسناد آن موجود است، راهکار اقدام مسلحانه

نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت

ادامهٔ اسلحه یی بنام «قانون»

وزارت اطلاعات مدارک خواستیم که تنها به ذکر نام و محل تولد و ذکر نام پدر و مادر اکتفا کردند و قصد همکاری نداشتند لذا ما خودمان دنبال مسائل رفتیم و روال حاضر هم ناشی از همین جریان است...»

روزنامه کیهان، ارگان جاقو کشان و چماق داران «ولی فقیه» نیز با درج مصاحبه یی از حسین شریعتمداری، شکنجه گر رژیم و مسئول روزنامه کیهان، در پاسخ به عملکرد این روزنامه در پرونده سازی های اخیر بر ضد نیروهای ملی - مذهبی، مدعی شد که: «کسانی که در جریان جنگ نقش ستون پنجم ارتش عراق را بر عهده داشته اند و در کارنامه سیاسی آنها، دهها نمونه مستند دیگر نظیر جاسوسی برای آمریکا و خیانت به وطن و هموطنانشان دیده می شود، نه ملی هستند و نه مذهبی و انتخاب نام ملی - مذهبی برای این گروهها اهانت به مذهب و ملیت است.» به گفته شریعتمداری: «کیهان با عوامل بیگانه، نفوذی ها و دشمنان مردم و نظام اسلامی که انگل اجتماعی و عوامل برهم زننده وحدت مسلمین هستند برخورد می کند» (به نقل از روزنامه کیهان، دوشنبه ۳ اردیبهشت ماه).

در کنار این اخبار اشاره به این خبر نیز ضروری است که هاشمی شاهرودی و محمد یزدی، در سخنان تهدید آمیزی مطرح کردند که قوه مقننه نیازمند «اصلاحات» است. و کربوبی در پاسخ به شاهرودی یادآور شد که: «آقای شاهرودی نتوانسته اند قوه قضائیه را اصلاح کند، به سراغ مجلس آمده است.»

این مجموعه خبری، در کل نشان دهنده یک پدیده جالب و درخور توجه در رژیم استبدادی «ولایت فقیه» است. در رژیم استبداد مطلقه، هیچ ارگان، نهاد و یا قانونی به جز اوامر و خواست های مستبدان و تاریک اندیشان حاکم اعتباری ندارد و «قانون» به عنوان اسلحه یی برای سرکوب خواست های مردم به کار گرفته می شود. عزیزان که این روزها در کنار حفظ سمت رئیس «دادگستری تهران» پست شکنجه و تهیه نوار ویدیو از قربانیان شکنجه را نیز بر عهده دارد، با وقاحت و روشنی اعلام می کند، از وزارت اطلاعات پرونده خواستیم ندادند، خودمان اقدام کردیم. شریعتمداری رئیس یک روزنامه «ولایتی» اعلام می کند که وظیفه این روزنامه برخورد با عوامل «بیگانه و نفوذی دشمن است» لابد از همان برخوردهایی که هم پالکی های شریعتمداری، فلاحیان، اسلامی و شرکاء با قربانیان قتل های زنجیره یی انجام دادند و رئیس قوه قضائیه کشور، و عضو شورای نگهبان اعلام می کنند که این وضعیت مجلس شورای اسلامی قابل قبول نیست و باید آنرا اصلاح کرد.

چنین است وضعیت «قانون» و «قانونیت» در رژیم «ولایت فقیه».

یورش به فعالان

دانشجویی

بنا به گزارشات رسیده ماموران رژیم ولایت فقیه در ادامه دستگیری های اخیر فعالان سیاسی، گروهی از فعالین دانشجویی در تهران که تعداد آنها به ۳۵ نفر می رسد و از جمله حشمت الله طبرزدی دبیر کل جبهه دموکراتیک مردم ایران در تهران

با خود بردند. «غلامرضا مهاجری نژاد از اعضای این تشکل دانشجویی در رابطه با دستگیری اخیر به شهروند گفت: «روز دوشنبه رهبران جبهه دموکراتیک مردم ایران، جبهه متحد دانشجویی و اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان ایران جلسه

بازداشت شدند. علی طبرزدی فرزند ۱۸ ساله حشمت الله طبرزدی در یک تماس تلفنی به روزنامه «شهروند» چاپ کانادا گفت: «ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه دوشنبه بیش از ۱۰ نفر از ماموران امنیتی در یک یورش ناگهانی به منزل حشمت الله طبرزدی، منزل و اثاثیه و لوازم شخصی همه افراد خانواده را مورد بازرسی و تجسس قرار دادند و مقدار زیادی مدارک و نوشته های حشمت الله طبرزدی را ضبط

ادامه یورش به فعالان دانشجویی ...

مشترک برگزار کردند که در حین انجام این جلسه گروهی از ماموران دادگاه انقلاب به محل دفتر جبهه متحد دانشجویی حمله می کنند و با ضرب و شتم بیش از ۳۵ نفر از رهبران و اعضای جبهه دموکراتیک مردم ایران، جبهه متحد دانشجویی و اتحادیه ملی دانشجویان، از جمله حشمت الله طبرزدی، محمد مسعود سلامتی، دکتر فرزاد حمیدی، دکتر حمید علیزاده و حسن زارع را با ضرب و شتم بسیار دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کرده اند. هر چند دستگیری های اخیر فعالان دانشجویی و در راس آنها حشمت الله طبرزدی همانند دستگیری نیروهای ملی - مذهبی قاعدتا می بایست واکنش هایی را برمی انگیزد، اما سکوت حاکم بر مطبوعات مجاز در داخل ایران سوالات را در این مورد بوجود می آورد. روزنامه های جناح حکومتی طرفدار اصلاحات بدون اشاره به بازداشت های اخیر دانشجویی تنها به درج خبر دستگیری حشمت الله طبرزدی کرده اند و در مورد دیگران هیچگونه اشاره ای نرفته است. چنانچه میزان و تعداد دستگیری های اخیر فعالان دانشجویی صحت داشته باشد سکوت معنی دار اصلاح طلبان حکومتی در این باره سوال برانگیز است. این مساله از آن رو با اهمیت است که روش های به کار گرفته شده توسط این تشکل دانشجویی باب میل حکومتیان طرفدار اصلاحات نبوده است و همین امر در گذشته اصطکاک هایی را بوجود آورده است. حزب توده ایران سکوت و عدم اعتراض به دستگیری اخیر فعالان دانشجویی از طرف هر گروه و حزب سیاسی را محکوم می داند و فارغ از موضع گیری افراد و گروه ها باید در برابر هر گونه اقدام سرکوب گرانه برضد هر تشکل سیاسی قاطعانه ایستاد و آن را محکوم کرد.

معضل شرکت مردم در انتخابات

روزنامه «آفتاب یزد»، سه شنبه ۲۸ فروردین، سخنان منتجب نیا را نقل کرد که می گوید: «اگر تعداد کاندیداهای ریاست جمهوری بیش از حد متعارف باشد، نشان دهنده ساختگی و تصنعی بودن است و ممکن است بر اساس شایعات موجود - که امیدوارم واقعیت نداشته باشد - مخالفان با یک شگرد خاص و با معرفی افراد از قبایل و اقوام مختلف بخواهند آرا را پر کنند. آرای قومی و قبیله ای موجب تجزیه رای ها شده و در نهایت آرای رئیس جمهور آینده را کاهش خواهد داد. این اقدام کمک به ثبات و استقرار نظام نیست و حرکتی قومیت گرایانه و ضد امنیت ملی تلقی می شود.» در این رابطه اسدالله بادامچیان، عضو جمعیت مولفه در مصاحبه با ایستنا، سه شنبه ۲۸ فروردین گفت: «این که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات در سطح بالایی باشد، اهمیت دارد و انتخابات مظهر آزادی و مردمی بودن یک نظام است.» وی با اشاره به این که حضور مردم نیاز به مقدماتی دارد، خاطرنشان ساخت: «در ابتدا مردم باید احساس کنند که آرایشان در سرنوشت خود، نظامشان و کشورشان موثر است و به حساب می آید. اگر مردم این احساس را داشته باشند در انتخابات حضور پیدا می کنند.» بادامچیان در ادامه اظهار داشت: «مساله سوم که باعث حضور مردم می شود، این است که کاندیداها باید سرنوشت ساز باشند و هر کس که بیاید، با آن لطیف و افکار خودش اثر بگذارند و وقتی اینگونه باشد، مردم شرکت می کنند.» وی در توضیح آخرین مساله گفت: «آخرین مساله برای حضور هر چه بهتر مردم، این است که مردم به مجریان و ناظرین انتخابات اطمینان داشته باشند که مجریان سلامت رای آنها را لحاظ خواهند کرد و ناظرین نیز مراقبت می کنند که مجری دچار خطا نشود» وی در جایی دیگر گفت: «مردم هیچ اطمینانی ندارند که آقای تاج زاده که دیروز به محاکمه کشیده شده، یا تبرئه می شود یا نمی شود. کسی که حداقل در حد اتهام است، بتواند این انتخابات را سالم برگزار کند و این خودش موجب می شود مردم شرکت نکنند. اگر خدای نکرده مردم به این جا برسند که در انتخابات تقلب می شود - البته بنده که موافق نیستم، کسی دچار مشکل شود یا گیر بیفتد - ولی اگر آقای تاج زاده یک مرتبه به محکومیت رسید و حکم دادگاه این بود که ایشان تقلب کرده و باید به زندان برود، آن وقت چطور؟» سخنان بادامچیان گویاتر از آن است که به توضیح احتیاج داشته باشد، تنها نکته قابل ذکر اینکه لفظ «مردم» از طرف آنها باید همان ذوب شدگان در ولایت تعبیر شود. البته کارشکنی، سنگ اندازی، توقف و سرکوب جنبش از طرف بادامچیان و همفکرانش مسئله جدید و نوظهوری نیست و این روند از فردای دوم خرداد ۷۶ تاکنون به طور مستمر ادامه داشته است. ما ضمن حساس خواندن انتخابات در پیش روی ریاست جمهوری، سوی شرکت و پیروزی محمد خاتمی در آن، موضوعی را که با حساسیت به آن توجه می کنیم فرآیند تحولات آینده میهنمان می باشد. روش های کنونی جوابگوی خواست های انباشته شده توده ها نمی تواند باشد. توجه به این خواست ها و ارایه راه کارهای عملی در جهت تحقق آنها باید از هم اکنون مورد توجه تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات واقع گردد.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب نوده ایران



وقایع نگاری يك سده جنبش کارگری و

کمونستی ایران

■ ۱۷ اسفند ۱۲۵۹ - انتشار نخستین مقاله در معرفی سوسیالیسم (به نقل از مقاله روزنامه فارسی زبان، اختر چاپ استانبول) در روزنامه نیمه رسمی «ایران».

■ سال ۱۲۸۳ - تشکیل سازمان سوسیال دموکراسی ایران (اجتماعیون، عامیون). شالوده این سازمان در سال ۱۲۸۳ (۱۹۰۴) و به دست جمعیت همت ریخته شد. رهبری این تشکل، که در ارتباط با سوسیال - دموکرات های باکو قرار داشت، به عهده نریمان نریمانف بوده است. سازمان سوسیال دموکراسی ایران، پس از تشکیل، اقدام به ایجاد سازمان هایی در ایران کرد، و سازمان آن در تهران بوسیله وزیرنظر حیدر عموغلی تشکیل و اداره گردید. از فعالیت های متمرکز سازمان مذکور با همین نام، بعد از انقلاب مشروطیت، اطلاعات گوناگونی وجود دارد که نیاز به بررسی بیشتری دارد اما نقش این جمعیت و تاثیر آن بر انقلاب مشروطیت و رابطه تنگاتنگ آن با سوسیال - دموکرات های روس انکار ناپذیر است. مجاهد ارگان مطبوعاتی سازمان بوده است.

■ فروردین ۱۲۸۶ - اعتصاب ۱۶۰۰ کارمند تلگرافخانه در تهران و سایر شهرهای ایران برای دریافت اضافه حقوق و جلوگیری از اجحافات روسای تلگرافخانه

■ بهار ۱۲۸۶ - اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران برای ابراز همدردی با یکی از کارگران حروفچین که از اعتماد السلطنه، رئیس مطبوعات چوب خورده بود. اعتصاب تا برکناری اعتماد السلطنه از کار ادامه یافت.

■ تابستان ۱۲۸۶ - اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران برای تقلیل ساعات کار. مبارزه کارگران اعتصابی آن قدر ادامه یافت تا ساعات کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت کاهش یافت.

■ شهریور ۱۲۸۶ - تصویب برنامه سازمان مجاهدان در مشهد، که از جمله خواستار برقراری آزادی های دموکراتیک، مصادره املاک شاهی و خوانین بزرگ و تقسیم بلاعوض میان دهقانان، ۸ ساعت کار، تعلیمات اجباری بودند.

■ سالهای ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - تشکیل اتحادیه های کارگران چاپخانه های تهران، کارگران واگون های آسبی، تلگرافچیان و قالی بافان کرمان.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

نگاهی به جنبش کارگری - سندیکایی ایران

در سالی که گذشت

تولیدی در حال رکود بوده و یا تعطیل شده اند.» روزنامه «کار و کارگر» به تاریخ ۱۴ تیر ماه گزارش داد که، ۲۰۰ کارخانه در کرمانشاه تعطیل شد. در گزارش دیگری اعلام گردید که، ظرف سال های ۷۴ تا ۷۸، مجموعاً ۵۰ درصد کارگران استان مازندران بیکار شده اند که عمدتاً ناشی از رکود در صنایع است. بر پایه آمار ارایه شده در استان آذربایجان غربی فقط در تابستان سال ۷۹، ۶۰ درصد کارخانجات این استان در رکود کامل بسر می بردند. در استان مرکزی، طی تابستان ۷۹، ۲۰ کارخانه در آستانه ورشکستگی کامل قرار داشتند و ۵۹ هزار کارگر بیکار شده بودند.

در برابر این اوضاع و احوال خطرناک، مسئولین رژیم با وقاحت خاص خود، اصولاً منکر این بحران اند. از جمله سخنان غلامرضا شافعی، وزیر صنایع که در روزنامه «همشهری» به تاریخ اول شهریور ماه درج شد، در این زمینه گویاست. وی متذکر شد: «اینکه گفته می شود ۵۰۰ کارخانه با بحران کارگری مواجه هستند، نمی دانم بر چه اساسی است. این مساله که حقوق برخی کارگران سر موعده پرداخت نشود را نمی توان بحران نامید.» (!)

سازمان دهی حرکات مختلف اعتراضی برای مقابله با پدیده تعطیلی و رکود کارخانه ها، از عرصه های مهم مبارزاتی زحمتکشان در طول سال گذشته بود. این مبارزه، از آنجا که، برای تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از بیکاری و پرداخت بقوق دستمزدها بود، در عرصه صنفی - رفاهی از اولویت برخوردار بود و جنبه سراسری برای کلیه زحمتکشان در چهار گوشه کشور داشت و از آنجاییکه متوجه سیاست های اقتصادی - اجتماعی ضد ملی رژیم نیز بود، دارای جنبه سیاسی بوده و در گسترش و ژرفش جنبش مردمی نقش عمده ای ایفا کرد. به این ترتیب باید گفت توجه دقیق به این عرصه فوق العاده مهم مبارزات کارگری از اولویت جدی برخوردار می باشد. در این زمینه باید فعالیت گسترده ای را سازمان داد و در سطح وسیع به افشاکاری و آگاه کردن زحمتکشان پرداخت. این عرصه از آنجا که با زندگی روزمره کارگران ارتباط مستقیم دارد به بسیج هر چه گسترده تر آنها منجر خواهد شد و می تواند طیف گسترده ای از حقوق بگیران را زیر هدایت طبقه کارگر وارد صحنه مبارزه کند. کارگران پیشرو و فعالان توده ای در این زمینه وظیفه خطیری بر دوش دارند.

خصوصی سازی و امنیت شغلی زحمتکشان:

رکود و تعطیلی کارخانه ها و بیکاری هزاران کارگر و عقب افتادن پرداخت دستمزدهای هزاران کارگر دیگر و به همراه آن رنج و محنت روزافزون خانواده های زحمتکشان با برنامه خصوصی سازی در ارتباط است.

مقابله و مخالفت با این برنامه ضد ملی، آن چنان در میان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ریشه دار است که، حتی تشکل های زرد و ارتجاعی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی و غیره بنچار و برای آنکه به انزوا کشیده نشوند، بصورتی ریاکارانه با خصوصی سازی مخالفت می کنند. روزنامه «کار و کارگر» در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه گذشته، از قول رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، نوشت: «اکنون تفکری در قوای مجریه و مقننه حاکم شده است که، از خصوصی سازی بعنوان آخرین هدف که می تواند کشور را نجات دهد نام برده می شود. ضعف مدیریت در دهها واحد تولیدی که، در مدت کوتاهی به بخش خصوصی واگذار شده اند مشهود است، بطوریکه اغلب این واحدها با مشکلات کارگری مواجه اند.»

اینکه تفکر حاکم در میان حاکمیت، اجرای برنامه خصوصی سازی است، امری روشن و بدون ابهام است. محمد خاتمی طی مراسم بهره برداری از مجتمع فولاد آذربایجان واقع در شهر میانه، برای سرعت بخشیدن به روند خصوصی سازی از جمله تأکید کرده بود: «مجلس اجازه داده است که، ۳ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی و نفتی کشور با سود کم و بازپرداخت چندین ساله در اختیار بخش خصوصی قرار دهیم تا در بخش تولید صرف شده و اشتغال ایجاد کند.»

باید تأکید کنیم که استفاده بخش خصوصی از امکانات دولتی با هدف به اصطلاح افزایش تولید، تاکنون نه تنها ثمر بخش نبوده، بلکه به رشد و رواج فعالیت های دلالی و غیر مولد دامن زده است. روزنامه «کار و کارگر» در تاریخ ۱۵ شهریور ماه، چند ماه پیش از افتتاح مجتمع فولاد آذربایجان، از قول مدیر کل کار و امور اجتماعی

ادامه در صفحه ۵

سال ۷۹ برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، سال پر فراز و نشیب، و توأم با کامیابی ها و ناکامی های بزرگ و کوچک بود. جنبش کارگری - سندیکایی در سالی که گذشت، بررغم ضعف های متعدد، از گسترش و ژرفش قابل توجه و امیدوار کننده ای برخوردار شد. در این سال، در کلیه واحدهای صنعتی - تولیدی و خدماتی سراسر کشور، کارگران با توجه به امکانات موجود مخالفت قاطعانه خود را با سیاست های ضد کارگری رژیم ولایت فقیه اعلام داشتند، و با توسل به شیوه های گوناگون مانند اعتصاب و تحصن و امضاء طومار تا مسدود کردن جاده ها و برگزاری راه پیمایی، جنبشی پرتوان و اعتراضی را سازمان دادند که برخی از این حرکات اعتراضی به دلیل ماهیت و گستردگی خود، برای مجموعه جنبش مردمی حائز اهمیت فراوان بود.

گسترش مبارزه در وضعیتی بغرنج:

سالی که پشت سر نهادیم، برای طبقه کارگر ایران، سال مبارزه دشوار و در وضعیتی بغرنج و پیچیده از لحاظ سیاسی بود. جناح مدافع ذوب در ولایت که چندین شکست پی در پی را از جنبش مردمی پذیرا شد، با توسل به امکانات مختلف و استفاده از اهرم های حکومتی، یورش وسیع و سازمان یافته ای برای حفظ بقاء خود آغاز کرده و عملی ساخت، در این یورش، جنبش کارگری - سندیکایی یکی از اهداف و آماج ها به شمار می آمد. روزنامه «همشهری» در اردیبهشت ماه سال ۷۹ گزارش داد که، شمار دستگیری ها، احضارها و بازجویی ها از اعضای تشکل های کارگری از مرز ۱۰ هزار مورد گذشت. این آمار، حکایت از جو حاکم بر محیط های کارگری و درجه حساسیت ارگان های سرکوبگر رژیم نسبت به مبارزات کارگران و زحمتکشان دارد. در کنار این جو خفقان آور، باید از ژرفش بحران اقتصادی و به موازات آن تعطیلی و رکود کارخانجات نام برد که بر سمت و سو و کیفیت مبارزه جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما تأثیرات جدی باقی گذاشته و می گذارد.

این نابسامانی های بزرگ و یا بهتر گفته باشیم معضل ژرف، نتیجه سیاست های اقتصادی - اجتماعی ضد ملی بی است که از دوران دولت هاشمی رفسنجانی به یادگار باقی مانده و توسط دولت خاتمی تحت عناوین دیگر ادامه پیدا کرده است. اما بررغم این مشخصه ها، بی گمان گسترش دامنه حرکات اعتراضی، یکی از ویژگی های اساسی و قابل توجه در عرصه مبارزه با رژیم ولایت فقیه ارزیابی می شود.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان به عنوان ستون فقرات و نیروی اصلی جنبش پرتوان دموکراتیک و مردمی، ضمن اینکه لبه تیز مبارزه خود را به سوی جناح ذوب در ولایت متوجه ساخته و به رویارویی با ارتجاع پرداختند، در عین حال مخالفت آشکار و علنی خود را با اتخاذ سیاست های مخرب اقتصادی امنیت شغلی شان را به مخاطره انداختند، ابراز داشتند. هوشیاری و سطح بالای آگاهی طبقاتی کارگران ایران مانع از آن گردید که، جناح های مختلف حکومتی بتوانند، از مبارزات زحمتکشان به سود اهداف جناحی خود در چارچوب «حفظ نظام» سوء استفاده کنند. ژرفش مبارزات طبقه کارگر، مستقل از جناح بندی های حاکمیت، از مهمترین ویژگی های جنبش کارگری و سندیکایی در یکسال گذشته بود، که برای ارتقاء سطح سازمان دهی جنبش مردمی در راه تحولات بنیادین و طرد رژیم ولایت فقیه دارای اهمیت تعیین کننده است.

رکود و تعطیلی کارخانه ها و منافع کارگران:

بحران در صنایع و رکود و تعطیلی صدها واحد تولیدی - صنعتی در سال گذشته، تبدیل به معضل اجتماعی بزرگی با پیامدهای نگران کننده گردید. در تابستان سال ۷۹ مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی خبر دادند، ۵۰۰ واحد تولیدی در حال رکود قرار دارد. روزنامه «قدس» به تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۷۹ در این خصوص از جمله نوشته بود: «صدها واحد تولیدی در آستانه تعطیلی قرار گرفته و بیکاری دهها هزار کارگر و تاخیر ۲ تا ۵ ماهه پرداخت دستمزدهای هزاران کارگر دیگر، به یک مشکل لاینحل تبدیل گردیده است.»

وخامت اوضاع را می توان از سخنان مسئولین رژیم به خوبی درک کرد. مدیر کل کار استان قم، در تاریخ ۲۲ تیر ماه، اعتراف کرد: «در این استان تنها ۴ واحد صنعتی با بیش از ۵۰۰ کارگر در حال فعالیت هستند، بیشتر کارگاه ها و واحدهای

ادامه نگاهی به جنبش کارگری - سندیکایی ایران در ...

مازندران، یادآور شد: «یکی از اهداف شرکت های خدماتی بالا بردن سطح اشتغال در بخش خصوصی و کاهش دامنه تشکیلات دولتی بود. اما شرکت های خدماتی بدون هیچگونه سرمایه گذاری سودهای کلان را به جیب می زنند. این شرکت ها که از منابع دولتی تغذیه می شوند، در استعمار کارگران و رواج روابط دلالی نقش اساسی دارند و آینه تمام نمای غیر مولد ایران هستند که میلیاردها دلار درآمد ملی با سود کم و باز پرداخت چندین ساله در اختیار آنها قرار می گیرد.»

یکی از مهم ترین رخدادهای کارگری سال گذشته، آن هم در زمینه مبارزه با برنامه خصوصی سازی، اعتصاب نفتگران دبیر شرکت ملی حفاری در مخالفت با خصوصی سازی این واحد استراتژیک صنعت نفت ایران بود. این اعتصاب، درجه رشد و آگاهی طبقاتی و آمادگی طبقه کارگر میهن ما را به نمایش گذاشت و رژیم را به یک چالش جدی فرا خواند. مبارزه بر ضد خصوصی سازی، یک مبارزه آشکار سیاسی با محتوی مشخص طبقاتی است. در سال پیش رو، نبرد در این عرصه با اهمیت وارد مرحله جدی خواهد شد. رویارویی در این عرصه مهم با رژیم ولایت فقیه و کامیابی زحمتکشان در آن، در آینده کشور ما حائز نقش مهمی است. جنبش کارگری- سندیکایی می باید با آمادگی کامل و سازمان دهی مناسب در این صحنه مهم حاضر شود.

ضرورت شکل های مستقل صنفی - يك نقطه عطف:

مبارزات کارگران در سال گذشته، پیش از هر زمان دیگری نشان داد که ضعف اساسی جنبش کارگری- سندیکایی، نبود شکل های مستقل صنفی است. همراه با این مساله، ما شاهد انزوای روزافزون تشکلهای زرد و ارتجاعی در خدمت رژیم و ناکارآمدی این ارگان ها در جنبش اعتراضی زحمتکشان بودیم.

در واقع یکی از مشخصه های اصلی مبارزات کارگری طی سال گذشته، رشد و آگاهی طبقاتی و به ویژه درک این مهم از سوی زحمتکشان بود که، بدون وجود تشکلهای مستقل صنفی، سندیکاها و اتحادیه های واقعی، جنبش اعتراضی به سرانجام مطلوب خود نمی رسد. در اواخر خرداد ماه سال ۷۹، در جریان گردهمایی نمایندگان کارگران شمال غرب کشور، رئیس کانون شوراهای اسلامی کار، طی سخنانی با توضیح وضعیت وخامت بار زندگی زحمتکشان، نسبت به عواقب رشد مبارزات کارگری هشدار داد، و رسماً اعتراف کرد که، تشکلهای زرد و وابسته موجود، دیگر قادر به مهار و خنثی سازی جنبش کارگری- سندیکایی نیستند. وی گفته بود: «متأسفانه شوراهای اسلامی کار از مسیر اصلی خود منحرف شده اند و به قدری به مسایل متفرقه و غیر مربوط به خود می پردازند که، از هدف و غایت اصلی خود که کاهش تنش و التهاب در واحدهای تولیدی است دور می شوند.»

همچنین، روزنامه «کیهان» در تاریخ ۳ مرداد ماه، در گزارشی از اجتماع دبیران اجرایی خانه کارگر، با اعتراف به نفرت کارگران از تشکلهای زرد و عناصر وابسته به رژیم، از قول یکی از مسئولین نهادهای در خدمت رژیم در امور کارگری، نوشت: «ناآگاهی کارگران (بخوان آگاهی تحسین برانگیز) نسبت به جدا بودن تشکیلات خانه کارگر از بدنه دولت از دیگر مشکلات جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) است. متأسفانه خانه کارگر در شناسایی و جذب صاحبان فکر و اندیشه در جامعه کارگری (طبقه کارگر) برنامه ریزی موفق نداشته است.»

این سخنان روشن و گویا، همان نقطه عطفی است که باید بر آن انگشت گذارد. کارگران صاحب فکر و اندیشه، کارگران پیشرو و با نفوذ، جذب خانه کارگر و دیگر تشکلهای ارتجاعی نمی شوند و کلا زحمتکشان خانه کارگر را وابسته ارزیابی می کنند، یعنی آن را یک تشکل مستقل صنفی نمی دانند.

در برابر این شرایط با در نظر گرفتن فشار پلیسی و جو اختناق حاکم بر مراکز کارگری، وظیفه مبرم، عاجل و اصلی در قبال جنبش کارگری- سندیکایی، تلاش همه جانبه و بدون وقفه و هوشیارانه، به همراه تلفیق کار علنی و مخفی، برای ایجاد تشکلهای مستقل صنفی یعنی سندیکاهای واقعی کارگری است. هرگز نباید از نظر دور داشت که، تشکیل و رشد و بسط مبارزات سندیکایی و ایجاد سندیکاهای واقعی حتی اگر شرایط عینی آن، فراهم نباشد، به خودی خود صورت نخواهد گرفت. در تحلیل نهایی، فقط بر اثر مساعی و فعالیت آگاهانه خود طبقه کارگر و حزب سیاسی آن، حزب توده ایران، است که می توان این وظیفه را از قوه به فعل درآورد و بر مهم ترین نقطه ضعف جنبش کارگری- سندیکایی در لحظه حاضر پایان داد.

افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، يك خواست بنیادین:

بنا به آمار رسمی منتشره، طی سالیان اخیر، میزان دستمزد کارگران و زحمتکشان ۱۱۰ درصد کمتر از نرخ واقعی تورم کشور بوده است. پژوهش های متعددی نشان می دهد که، روند افزایش دستمزد کارگران از سال ۵۸ به این سو، مطابق نرخ واقعی تورم نبوده است.

از سال ۱۳۶۶، افزایش دستمزدها هیچ گاه پاسخگوی حداقل نیازهای کارگران نبوده است و هر سال نسبت به نرخ واقعی تورم دچار عقب ماندگی بیشتری می شود. شکاف و تفاوت میان دستمزد کارگران و هزینه زندگی آنان، از سال ۶۹ تا ۷۹، حدود ۵ برابر افزایش یافته است، یعنی حداقل ۵ برابر کارگران کمتر از هزینه های خود دستمزد دریافت داشته اند.

شورای عالی کار جمهوری اسلامی، میزان حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۱۳۸۰ را معادل ۱۸ هزار و ۹۳۰ ریال و ماهیانه ۵۶۷ هزار و ۹۱۰ ریال رسماً تعیین کرده است. معیار اصلی محاسبه این مقدار، رقمی است که بانک مرکزی برای شاخص تورم اعلام داشته یعنی ۱۲/۸ درصد، رقمی کاملاً خلاف واقع و دروغین! افزایش ناچیز حداقل دستمزدها، آن هم با معیارهای ساختگی، به معنای سقوط باز هم بیشتر سطح زندگی کارگران و زحمتکشان در سال جاری است.

مستولان رژیم ولایت فقیه، رقم ۷۰ هزار تومان ماهیانه را، خط فقر در کشور معرفی کرده اند. صرف نظر از درستی یا نادرستی این رقم، افزایش دستمزد کارگران در ماه به ۵۶ هزار و ۹۱۰، به معنای آنست که کارگران باید زیر خط فقر زندگی کنند!

چگونگی افزایش سالیانه سطح دستمزدها، امری جدا از مجموعه سیاست های اقتصادی- اجتماعی رژیم نیست. در برنامه سوم توسعه، که مبنای سمت گیری اقتصادی جمهوری اسلامی است، اصلاحی برای منافع زحمتکشان در نظر گرفته نشده است.

مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها، مطابق نرخ واقعی تورم در کنار مبارزه بر ضد خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه و مقابله با رکود و تعطیلی کارخانه ها از زمره مهم ترین عرصه های پیکار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در برابر رژیم واپس گرای ولایت فقیه است. مبارزه بی که در سال جاری بی شک اوج تازه ای خواهد گرفت.

دورنمای مبارزه برای آینده:

با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، با ارایه ارزیابی دقیق از مبارزات یک سال گذشته جنبش کارگری- سندیکایی، این پرسش اساسی مطرح می شود که، چگونه باید دورنمای آینده این مبارزات را ترسیم کرد. پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب ما در اردیبهشت ماه سال گذشته در بررسی حوادث ایران و نقش و فعالیت جنبش کارگری به این نتیجه مهم رسید که: «جنبش کارگری در سه سال گذشته راه درازی را طی کرده است. اگرچه هنوز بخش عمده حرکت های اعتراضی کارگران و زحمتکشان حول مسایل صنفی دور می زند، ولی ما در سال گذشته شاهد جوانه های تازه ای از رشد و ارتقاء کیفی جنبش کارگری و فعال تر عمل کردن آن در برابر حوادث سیاسی کشور بودیم. شرکت وسیع کارگران و زحمتکشان در جریان انتخابات مجلس ششم از نمونه های بسیار جالب این تغییرات است که هنوز راه درازی تا رسیدن به مقصد دارد. تلاش در راه ایجاد تشکلهای کارگری مستقل، سندیکا، و اتحادیه های کارگری، از جمله مسایل برجسته و مهمی است که در سال گذشته به شکل گسترده بی در میان فعالان جنبش کارگری مطرح شده است. حزب توده ایران همچنان اعتقاد راسخ دارد که، جنبش کارگری و زحمتکشان میهن ما، انقلابی ترین، پیگیرترین و مهم ترین نیروی تحولات در میهن ما است، و جنبش مردمی بدون شرکت فعال و همه جانبه جنبش کارگری نخواهد توانست به اهداف خود در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی دست یابد.» (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۵۸۳، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۹).

بدون تردید، در سال جاری ما شاهد اوج گیری بیش از پیش مبارزات اعتراضی زحمتکشان خواهیم بود. مجموعه عوامل عینی و ذهنی از جمله، آمادگی کارگران برای رویارویی با رژیم و آرایش طبقاتی در صحنه بفرنج سیاسی ایران به رشد جنبش کارگری- سندیکایی یاری موثر می کند. اما هرگز نباید به این عوامل بسنده کرد. احیای سازمان های سندیکایی، همچنان مهم ترین محور مبارزه برای کامیابی به شمار می آید. از این رو برای ایجاد تشکلهای مستقل صنفی باید بطور خستگی ناپذیر مبارزه کرد.

حضور طبقه کارگر در صحنه مبارزه و مسلح بودن آن به سلاح سازمان دهی، شرط ضرور برای هر تغییر و تحول در جهت آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه است.

ادامه پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

عملکرد سرمایه داری جهانی است، برخاسته اند.

نیروهای مترقی و انقلابی در جهت تدوین پایه های نظری و سیاسی یک جایگزین مردمی و مترقی تلاش های متحد و هماهنگی را آغاز کرده اند. یکی از آماج های اصلی این تلاش متحد نقاب بر گرفتن از تحلیل های ایدئولوژیکی است که سعی دارند «جهانی شدن سرمایه داری» را امری اجتناب ناپذیر، بدون جایگزین و صاحب چهره بی «انسانی» معرفی کنند.

کارگران و زحمتکشان میهن مان امسال در شرایطی به استقبال جشن اول ماه مه می روند که مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» همه عرصه های جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. «نه» تاریخی مردم در دوم خرداد ماه ۷۶ به رژیم «ولایت فقیه» و سیستم ارزشی آن، آغازگر مرحله نوینی از مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی بوده است. از مشخصه های عمده این دوره از مبارزه، مطرح شدن اهمیت کلیدی آزادی های فردی و اجتماعی و ضرورت استقرار ساختار های جامعه مدنی و از جمله احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری واقعی است.

میهن ما در سال گذشته شاهد گسترش مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه تحقق خواست های مشخص صنفی و از جمله دفاع از قانون کار بوده است. حرکات اعتراضی گسترده کارگران و زحمتکشان در سال های اخیر، در برخی عرصه ها، در هیچ دوره بی از تاریخ معاصر چنین وسعتی نداشته است. آنچه این مرحله اوج گیری جنبش کارگری را برجسته می کند، از یک سو گستردگی دامنه اقدام های اعتراضی و از سوی دیگر اتخاذ ابتکارهای نوین، در مقابله با ارتجاع حاکم، توسط کارگران و زحمتکشان است.

کارگران کشور برای مبارزه با عوارض فاجعه بار بحران اقتصادی همه جانبه بی که از مظاهر آن رکود اقتصادی، تعطیل شدن صد ها کارخانه و کارگاه تولیدی، بیکاری میلیون ها کارگر و فقر فزاینده بوده است، به میدان آمده اند. در چنین وضعیتی، سیاست گذاران اقتصادی دولت، که همان طراحان و مبتکران سیاست «تعدیل اقتصادی» و لذا بانیان ایجاد بحران کنونی اند، با مطرح کردن لزوم خصوصی سازی کارخانه ها و واحد های تولیدی و اخراج کارگران «اضافی»، سرسختانه از الغاء قانون کار در جهت تامین خواست سرمایه داران، دفاع می کنند. سیاست خصوصی سازی بر خلاف ادعای سران رژیم ولایت فقیه، نه برای کمک به رشد اقتصادی بلکه در راستای پیروی از دستورات صندوق بین المللی پول اتخاذ شده و عمیقاً با منافع مردم میهن ما در تضاد است. با ادامه اجرای سیاست خصوصی سازی، اقتصاد ایران هرگز قادر به رشد و شکوفایی نخواهد بود. حزب ما، بر پایه دیدگاه علمی خود، در زمینه توضیح جایگاه بخش های دولتی و خصوصی در ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور همواره بر این نکته پر اهمیت انگشت گذارده است که: در تعیین عامل واقعی مشکلات اقتصادی باید به مواضع طبقاتی نیروهای اجتماعی بی که سکان واقعی حاکمیت و سمت گیری آن را در دست دارند، توجه داشت. حقیقت این است که، آن محافظی که برای دو دهه فاجعه جنگ، ترور و سرکوب آزادی را بر میهن ما تحمیل کرده اند همچنان عاملان اصلی تخریب اقتصاد کشور بوده اند. مسیر تامین حقوق زحمتکشان کشور از میدان مبارزه بفرنج کنونی برای گسترش آزادی های مدنی در کشور می گذرد.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

مبارزات برحق و قهرمانانه شما برای دریافت دستمزد های معوقه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، لغو قرارداد های موقت، بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت و زیان آور، سیستم کارآ و همه گیر تامین اجتماعی، جلوگیری از اخراج های گسترده، مخالفت با خصوصی سازی ها و دفاع از مفاد حامی حقوق کارگران در قانون کار، می تواند و باید در بطن جنبش همه خلقی و با هدف تقویت و تعمیق آن سازماندهی گردد. پیروزی نهایی شما در گرو توفیق کارزار توسعه سیاسی و جنبش اصلاحات در کشور است.

حزب توده ایران، با این اعتقاد که سرنوشت جنبش آزادی خواهی کنونی به میزان زیادی به ارتباط ارگانیک آن با مبارزات کارگری در کشور وابسته است، در راستای تامین شرایط شرکت توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان، فعالیت می کند. حزب ما یکی از عمده ترین وظایف نیروهای ترقی خواه را در این برهه

ایجاد زمینه برای گره زدن مبارزات حق طلبانه کارگران با کارزار برای توسعه سیاسی کشور می داند. حزب ما بر پایه تعالیم سوسیالیسم علمی، طبقه کارگر را فرا می خواند تا جهت تامین شرایط ایجاد تشکل های مستقل کارگری، که روز بروز اهمیتی حیاتی تر پیدا می کند، در وسیع ترین صفوف به مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم و در راه تحقق آزادی و عدالت اجتماعی بپیوندند. زحمتکشان و نیرو های پیشرو کشور باید با استفاده از همه امکانات، مبارزه در جهت گسترش تشکل های سندیکایی و ساختارهای اصیل کارگری را تشدید کنند.

شروع علنی برخی بحث ها در محافل کارگری کشور درباره اهمیت ایجاد تشکل های صنفی، و بروز اختلاف نظر جدی در رهبری ساختار های کارگری تحت کنترل رژیم را، که اخیراً منجر به توقف انتشار روزنامه «کار و کارگر» برای یک هفته شد، باید انعکاسی از حاد شدن بن بست سیاست های رژیم و شدت گرفتن مبارزه برای تامین حضور متشکل طبقه کارگر در جنبش آزادی خواهانه کنونی دانست.

در بسیج طبقه کارگر برای مبارزه در راه خواست های کوتاه و بلند مدت خود نباید از تعیین عرصه اصلی پیکار در لحظه کنونی ظفره رفت ما برآنیم که، تنها راه ایفای نقش روشنگرانه و انقلابی در مبارزات کنونی مردم کشور، پیوند زدن کارزار برای بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان کشور با مبارزه بر ضد استبداد ولایت فقیه است. این حقیقتی است که، بدون توسعه سیاسی و در شرایط نبود آزادی های اساسی، مبارزه زحمتکشان در راه تحقق خواست های عاجل شان و از جمله ایجاد تشکل های صنفی مستقل نیز با اشکالات جدی مواجه و به پیکار هدفمند برای عدالت اجتماعی لطمه خواهد زد. صف زحمتکشان باید در کنار جنبش دانشجویی و دیگر گردان های جنبش توده ای مانع به ثمر رسیدن توطئه انحصار طلبان حاکم بشود. منافع آتی جنبش زحمتکشان در گرو پیروزی مبارزه برای توسعه سیاسی در مرحله کنونی است. ترقی خواهان و نیرو های انقلابی چپ در رابطه با تامین شرکت وسیع ترین صفوف خلق در این مرحله از تحولات کشور، با هدف ایجاد شرایط ادامه مبارزه برای دگرگونی های پایه ای آینده، وظیفه بی عمده و تاریخی بر عهده دارند.

کارگران و زحمتکشان ایران!

پیروزی جنبش آزادی خواهانه و دموکراتیک مردم ایران در گرو پیوند هدفمند مبارزات صنفی و سیاسی شما است. حزب توده ایران معتقد است که، باید کوشید تا با گسترش مبارزات صنفی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان و پیوند زدن آن به جنبش آزادی خواهانه کشور گامی بلند و ضرور در تدارک مراحل تعیین کننده و بعدی جنبش برداشت. طبقه کارگر می تواند و باید همانند انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نقش محوری خود را در تحولات کنونی کشور و در راستای پیروزی جنبش اصلاحات با هدف تضمین محتوای عدالت جویانه آن ایفا کند. وظیفه عاجل همه اعضا و هواداران حزب توده ایران در این لحظات حساس مبارزه و تلاش در چنین مسیری است.

زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان

جهان!

زنده باد طبقه کارگر قهرمان و پیکارگر ایران!

جاودان باد خاطره تابناک فعالان و پیشکوتان جنبش کارگری و

سندیکایی ایران!

پیروز باد مبارزه متحد خلق در راه آزادی، دموکراسی، عدالت

اجتماعی و طرد رژیم ضد خلقی «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۸۰

گاه شمار مبارزات کارگری در سالی که گذشت

فروردین، اردیبهشت، خرداد

در فروردین ماه، حدود ۲۲۰ نفر از ملوانان بندر بوشهر و بندر دیلم در کرانه های خلیج فارس، با تجمع اعتراضی در اسکله های این بندر، خواستار رسیدگی به مشکلات خویش گردیدند و حقوق قانونی خود را مطالبه کردند. کارگران شرکت ملبیران به دنبال چند حرکت اعتراضی که قبلا به انحاء مختلف برگزار کرده بودند بار دیگر با تحصن در مقابل ساختمان مرکزی وزارت صنایع، در یک اعتراض هماهنگ و گسترده، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. مخالفت کارگران با خصوصی سازی و اخراج های بی رویه بود. همین کارگران بار دیگر در اواخر اردیبهشت با تغییر تاکتیک مبارزاتی خود با مسدود کردن جاده تهران- کرج و ایجاد راه بندان مسئولان ضد کاری رژیم را به چالش طلبیدند. همین شیوه مبارزاتی بوسیله کارگران کارخانه علاءالدین تجربه شد و کارگران این کارخانه با سازمان دهی یک اعتصاب مسیر شرق به غرب جاده تهران- کرج را مسدود کردند.

در نیمه دوم اردیبهشت نیز کارگران کارخانه کشمیران با تعطیلی خط تولید و اعلام اعتصاب، در یک اقدام مشابه جاده تهران- کرج را مسدود کردند و مانع تردد خودروهای سبک و سنگین در این محور شدند. شیوه های کارآمد مبارزاتی را کارگران به کار می گیرند که نتایج ملموسی نیز به همراه داشته است. کارگران کفش «سه ستاره» در اعتراض به عدم دریافت حقوق گذشته خود، اقدام به بستن جاده ساوه کردند. در شهر قزوین نیز کارگران کارخانه چوب الموت، با برپایی اعتصاب به راه پیمایی پرداختند و در مقابل استانداری قزوین گرد آمدند. کارگران صنایع دفاع دورود، در اعتراض به عدم دریافت حق بیمه بیکاری دست به تظاهرات زدند. یک صد تن از کارگران شرکت پلیکان در طیس، با تجمع در مقابل فرمانداری این شهرستان، خواستار دریافت حقوق معوقه خود شدند. کارکنان شرکت آب و فاضلاب در اصفهان جهت دریافت دستمزدهای معوقه و تامین امنیت شغلی با تجمع اعتراضی در مقابل استانداری اصفهان خواستار مطالبات خود گردیدند. کارگران کارخانه سیمین اصفهان با خواست افزایش دستمزدها و توقف خصوصی سازی، دست به اعتصاب زدند. راه پیمایی کارگران در سراسر کشور به مناسبت روز جهانی کارگر به روز مقابله کارگران با اقدامات ضد کارگری رژیم مبدل گردید. کارگران در جریان این راه پیمایی های سراسری مخالفت خود را با عدم تامین امنیت شغلی، تغییر قانون کار، قانون خروج کارگاه های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار و غیره ابراز داشتند. کارگران در جریان همین راه پیمایی های گسترده شعارهایی بر ضد اتاق بازرگانی، مجلس پنجم و شورای نگهبان سر دادند. کارگران کفش گنجه در شهر رودبار به همراه خانواده های خود، در اعتراض به عدم دریافت به موقع دستمزدها و نیز پایمال شدن امنیت شغلی در برابر ساختمان فرمانداری دست به تحصن زدند. صحنه تحصن صدها کارگر زن و کودک فقیر آنها، اهالی شهر را سخت تحت تاثیر قرار داد.

کارگران شرکت فیلتر سازی البرز با تجمع در محل مجتمع قضایی بهشتی، به حکم صادره از سوی دادگاه مبنی بر اعلام ورشکستگی این شرکت اعتراض کردند. کارگران خواستار لغو این حکم و بازگشت به کار ۵۰۰ کارگر این شرکت گردیدند. کارگران کارخانه جواهریان در شهرستان ری، با تجمع هر روزه در محوطه این کارخانه خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی و حقوقی خود از سوی مسئولان امر شدند. کارگران این کارخانه به مدت ۱۵ ماه حقوق دریافت نکرده نبودند.

کارگران صنایع فولاد سازی اکتفا شهر زنجان در مقابل درب کارخانه تجمع کردند و با تعطیلی خط تولید، خواستار تضمین امنیت شغلی خود شدند. کارگران شرکت سقز سازی خراسان در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه خود و اخراج های بی رویه، در مقابل این شرکت دست به یک تجمع اعتراض آمیز زدند و تاکید کردند که تا رسیدگی کامل به وضعیت شان، به تجمع شان در مقابل این شرکت ادامه خواهند داد. کارگران نساجی سمنان در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. بیش از یکصد نفر از کارکنان شرکت خدماتی کیش، در اعتراض به تعویق افتادن حقوق خود، اعلام اعتصاب کردند و متحصن شدند.

صدها تن از کارگران و کارمندان شرکت برق اردبیل، در اعتراض به تعویق افتادن دستمزدهای خود، اعتصابی را سازمان دادند. کارگران شرکت ملی شیمی کشاورزی، واقع در شهر صنعتی البرز، دست به اعتصاب و اعتراضی گسترده زدند. در کاشان، بیش از هزار کارگر زن و مرد از کارخانجات مختلف رسیدگی و بافندگی، با تعطیلی خط تولید، به طور دسته جمعی به راه پیمایی در سطح شهر پرداختند و در برابر ساختمان فرمانداری کاشان گرد آمدند. کارگران به روند خصوصی سازی و عدم پرداخت بموقع

دستمزدها اعتراض کردند. در شهر قزوین، کارگران شرکت فرش اکباتان در مقابل استانداری این شهر گرد آمدند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. خواست اصلی این حرکت اعتراضی، پرداخت به موقع حقوق و مزایا و جلوگیری از اخراج کارگران بود. در شهر یزد، کارگران شرکت ملی فولاد آلیاژی به علت عدم دریافت به موقع دستمزدها و نبود امنیت شغلی، دست از کار کشیدند و اعتصابی را بر پا داشتند. در شهر اصفهان، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه مهیا، که تولید کننده کولر و بخاری است، در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود، در برابر کارخانه تحصن کردند. در کارخانه بافتار شهر اصفهان نیز، صدها کارگر با سازمان دهی اعتصابی در خیابان چهارباغ، دست به راه پیمایی زدند.

تبر، مردان، شهریور

کارگران گروه صنعتی کفش ملی در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در آن ماه ها با تجمع در مقابل کارخانه در ۱۸ کیلومتری جاده قدیم کرج این مسیر را محدود کردند. چند هزار نفر کارگر شاغل به کار در این کارخانه از ابتدای سال جاری تاکنون، حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده بودند. کارکنان اداره کل راه و ترابری اردبیل، دست به اعتصابی سازمان یافته زدند و خواستار تامین امنیت شغلی خود شدند.

در مازندران، کارگران شرکت تخته سه لا سازی، که به مدت شش ماه حقوقی دریافت نکرده بودند، در محوطه کارخانه تحصن کردند و اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان، جاده های اطراف شهر را مسدود خواهند کرد. کارکنان شرکت جامکو در مقابل ساختمان وزارت صنایع در تهران دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارکنان این واحد تولیدی به مدت یک سال هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده بودند.

بار دیگر کارگران قهرمان گروه صنعتی ملی، با برپایی اعتصابی سازمان یافته در جاده قدیم کرج تجمع کردند. این اعتراض هماهنگ به مدت چند روز ادامه یافت و در جریان آن کارگران با مسدود کردن جاده قدیم کرج، مانع از تردد خودروهای سبک و سنگین شدند. کارکنان و پرسنل بخش های مختلف بیمارستان و زایشگاه امین، با اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای دو ماهه خود از سوی مدیریت این بیمارستان، خواهان رسیدگی مسئولان ذیربط به موضوع حقوق عقب افتاده خود گردیدند. در بین پرسنل زحمتمکش این بیمارستان، زنانی وجود دارند که نان آور خانواده خوش هستند.

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه کامراد قم، که تولید کننده «شیرهای آب» است، پس از هشدارهای مکرر، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان، ضمن تحصن، اعتصاب غذا کردند. این کارگران نزدیک به دو سال هیچگونه حقوقی دریافت نکرده بودند. برای چندمین بار متوالی کارگران «فراسا» در شهرستان ساوجبلاغ، به دلیل عدم دریافت حقوق ۴ ماه گذشته خود، دست به یک تجمع اعتراض آمیز زدند. از ۹۲۰ نفر کارگران این واحد تولیدی، نزدیک به ۵۰۰ نفر اخراج شده بودند. بیش از ۳۰۰ تن از خبازان و کارگران نانوايي های اصفهان، در یک تجمع اعتراض آمیز، خواستار افزایش حقوق خود شدند. این تجمع ربه روی استانداری اصفهان صورت گرفت. کارگران صنایع استیل ایران در ابهر و خرمدره، با تجمع اعتراضی در محل خانه کارگر، خواستار جلوگیری از اخراج و بیکاری خود شدند. کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی واقع در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان به علت تعطیلی این شرکت و عدم دریافت هشت ماه حقوق و دو ماه پاداش خود، خواستار تعیین تکلیف در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند.

نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت معدن سنگ مرکزی ایران- بافق دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند، که به مدت چندین روز ادامه یافت. کارگران خواستار رسمی شدن کارگران قراردادی و جلوگیری از خصوصی سازی این شرکت شدند. کارگران کارخانه تولیدی نغ امیدان زنجان، در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکاری کارگران، با تحصن در مقابل در کارخانه خواستار بازگشایی این کارخانه گردیدند. کارگران بافتار اصفهان بار دیگر در

ادامه گاه شمار مبارزات کارگری در سالی که گذشت

یک تجمع اعتراضی در برابر در کارخانه نسبت به تعطیلی این واحد تولیدی اعتراض کردند. بیش از ۵۴۰ تن از کارگران کارخانه نخ تاب اصفهان با برپایی راه پیمایی، خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. کارکنان وزارت کشاورزی با تجمع و اعتراض در مقابل این وزارتخانه خواستار رفع و حل مشکلات خود گردیدند. کارگران کارخانه آبتن، واقع در شهرستان خوی، با تعطیلی خط تولید، در برابر ساختمان اداره تامین اجتماعی این شهرستان تجمع کردند و خواستار دریافت حقوق معوقه و توقف خصوصی سازی شدند.

در شهرک صنعتی نجف آباد، کارگران شرکت سنگ بری جاوید، با برپایی یک راه پیمایی اعتراضی، نسبت به اخراج کارگران اعتراض کردند و خواستار دریافت منظم دستمزدها شدند. کارگران سه واحد تولیدی از مجتمع نیشکر خوزستان دست به اعتصاب زدند. کارگران شرکت سیپورکس در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود و خطر اخراج کارگران در برابر ساختمان وزارت کشور تجمع کردند. کارگران شرکت آب و فاضلاب استان ایلام، با خواست افزایش سطح دستمزدها و تامین امنیت شغلی و جلوگیری از خصوصی سازی، در برابر ساختمان این اداره تحصن کردند. ۳۰۰ تن از کارگران جامکو در اعتراض به وضعیت نابسامان خود بار دیگر و این بار در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند و خواهان احقاق حقوق خود شدند. در پی اقدامات قبلی کارگران شرکت «فراسا» مینی بر مسدود کردن جاده، تجمع در مقابل خانه کارگر و ساختمان بانک صنعت و معدن، بار دیگر با یک تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کشور، خواستار حقوق عقب افتاده شش ماهه خود و تضمین امنیت شغلی خود گردیدند. ۱۵۰ تن از کارگران شرکت «نخ کار» در مقابل سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تجمع اعتراضی کردند. کارگران خواستار، حقوق منظم و عقب افتاده خود از حدود سه سال پیش گردیدند. بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان شهرداری دهلران به علت عدم پرداخت حقوق و مابه التفاوت و حق ماموریت و اضافه کار، ضمن خودداری از حضور در سر کار، با تجمع در محل شهرداری به تحصن پرداختند. ۴۰۰ نفر از کارکنان و کارگران پارچه بافی فرصتیان، در مقابل استانداری فارس تحصن کردند و با مسدود کردن خیابان، عبور و مرور را متوقف ساختند.

مهر، آبان، آذر

اعتصاب یکپارچه، متحد و سازمان یافته کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، در اعتراض به واگذاری این شرکت به انحصارات فراملی و سرمایه داران خارجی، با مقاومت قهرمانانه کارگران اعتصابی و پیروزی درخشان زحمتکشان صنعت نفت ایران پایان پذیرفت. اعتصاب و اعتراض کارکنان شرکت ملی حفاری ایران یکی از مهم ترین و موفقیت آمیزترین اعتراضات کارگری در سال گذشته بود. این اعتراض یکپارچه و مصمم کارکنان این شرکت که در ارتباط با منافع ایران و کارگران قرار داشت، تجربه بی بس سودمند برای جنبش کارگری و ارتقاء آن به حساب می آید. کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، در اعتراض به عدم دریافت مطالبات ۹ ماهه خود، دست از کار کشیدند. ۱۸۰۰ تن از کارگران این کارخانه در این تجمع اعتراضی حضور داشتند. این اعتراض گسترده نزدیک به دو هفته ادامه داشت. ۱۰۰ نفر از پرسنل زحمتکش شرکت جهاد نصر خوزستان، به علت عدم دریافت حقوق معوقه خود، مقابل استانداری خوزستان اجتماع اعتراضی بر پا داشتند. آنان خواستار رسیدگی فوری به وضعیت شغلی و دریافت حقوق معوقه خود شدند.

۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان، در مقابل کارخانه دست به تحصن زدند. نزدیک به یک سال حقوق و مزایای قانونی این کارگران پرداخت نگردیده بود. کارگران و کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی ایلام با تجمع اعتراض آمیز در مقابل استانداری ایلام خواستار طرح طبقه بندی مشاغل و احکام حقوق خود شدند. کارگران فرش بیستون کرمانشاه در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. کارگران نساجی مازندران جاده سراسری ساری- قائم شهر را مسدود کردند. این اقدام اعتراضی به علت عدم چاره اندیشی برای مشکلات مالی و راه اندازی این واحد تولیدی برگزار گردید. ۷۰ نفر از کارگران اخراج شده بیمارستان سینا به همین دلیل با تجمع در مقابل خانه کارگر دست به تحصن و اعتراض زدند.

کارکنان شهرداری تهران، در اعتراض به بازخرید اجباری خود، در مقابل ساختمان شهرداری مرکز تجمع کردند. کارکنان شرکت تولیدی «علاء الدین» برای سومین بار از آغاز سال ۷۹، در مقابل این شرکت در اتوبان تهران- کرج اعتصاب کردند و اقدام به آتش زدن لاستیک در وسط اتوبان کردند. کارگران نیشابوری، در

اعتراض به واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی این شهرستان به وزارت بهداشت، در مقابل فرمانداری این شهرستان اجتماع کردند. کارگران فرش محتشم به خاطر عدم دریافت حقوق و دیگر مشکلات در مقابل فرمانداری کاشان دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارگران شرکت جهاد تعاون با تجمع در مقابل استانداری کردستان خواستار برقراری منظم حقوق و مزایای ماهانه خود شدند. کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز در یک اعتصاب هماهنگ و بزرگ که نزدیک به ۸ روز طول کشید خواستار متوقف شدن طرح واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی گردیدند. کارگران شرکت های ایران جیکا و کاشی گیلان واقع در شهر صنعتی رشت که ۹۵ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند، با تجمع در مقابل استانداری گیلان، خواستار حقوق معوقه و دریافت مطالبات قانونی خود گردیدند. ۱۶۳ تن از کارگران شرکت فوکا صنعت با اجتماع در مقابل درب این کارخانه نسبت به عدم تامین شغلی و حقوق معوقه خود دست به اعتراض زدند. ۱۵۰ تن از کارگران کارخانه ایران چاشنی در مشهد، بدلیل عدم دریافت سه ماه حقوق و تمدید نشدن دفترچه بیمه خویش در محل خانه کارگر خراسان تجمع کردند. اعتراض کارگران کفش «سه ستاره» در وزارت صنایع منجر به درگیری کارگران با مزدوران رژیم گردید.

۲۰۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی در محل وزارت صنایع حضور به هم رسانده بودند تا حقوق قانونی خود را مطالبه کنند که با ضرب و شتم شدید ماموران مواجه شدند. در جریان این واقعه تعداد زیادی از کارگران بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و مجروح گردیدند. ۵۰ تن از کارگران شرکت بخش دارویی هجرت در مقابل این شرکت تجمع کردند. دلیل این اعتراض کارگری، تهدید به اخراج، قطع مزایای قانونی و ندادن حقوق استحقاقی به کارگران و احترام نگذاشتن به قانون کار عنوان گردید.

دی، بهمن، اسفند

۶۰ نفر از اعضای صنف نانوایان تهران در اعتراض به مشکلات اتحادیه ای خود دست به تجمع زدند و خواستار برگزاری انتخابات این اتحادیه در کوتاه ترین زمان ممکن گردیدند. حدود ۷۰ نفر از کارگران در برابر اتحادیه «اسکان» تجمع و به شیوه بازپرداخت وام و شرایط نامناسب واحدهای مسکونی اعتراض کردند. جمعی از کارگران شرکت صنایع فولاد اهواز در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، به برگزاری تجمع اعتراض آمیزی در مقابل ساختمان استانداری اقدام کردند. رانندگان اتوبوسرانی شیراز، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خود دست از کار کشیدند و موجبات اختلال در امور حمل و نقل درون شهری گردیدند.

حدود ۱۰۰ تن از کارگران علاء الدین نسبت به عدم پرداخت حقوق و تعطیلی این کارخانه در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع اعتراضی کردند. کارگران و کارمندان کارخانه پارس الکتریک رشت به علت عدم پرداخت ۲ ماه حقوق خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. کلیه دستیاران و کارورزان شاغل در مرکز آموزشی درمانی آیت الله طالقانی در اعتراض به کیفیت پایین آموزش و مشکلات صنفی دست از کار کشیدند.

۵۰۰ تن از کارگران معادن ذغال سنگ باب نیز در اعتراض به تعطیلی این معدن، عدم پرداخت حقوق و مزایای خود و محروم شدن از خدمات درمانی دست به تحصن زدند. کارگران کارخانه نساجی چوخای ساری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای معوقه و تعطیلی فعالیت این کارخانه در مقابل استانداری مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند. رانندگان سرویس های دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز با سرباز زدن از انتقال دانشجویان به محل تدریس خواستار دریافت حقوق های معوقه خویش گردیدند. کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان نسبت به عملکرد نادرست شورای اسلامی این کارخانه اعتراض کردند. کارگران گفتند که، این شورا حامی کارگران نیست و از مدیران کارخانه حمایت می کند.

۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه سیمین اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا در مقابل کارخانه تجمع کردند و سپس در سطح شهر دست به راه پیمایی زدند. این راه پیمایی کارگران با سرکوب مزدوران رژیم ولایت مواجه گردید و در جریان آن تعدادی از کارگران زحمتکش دستگیر و زندانی شدند. حدود یک هزار نفر از کارگران کارخانه «بافناز» اصفهان با مسدود کردن یکی از خیابان های اصلی شهر، خواستار مطالبات قانونی خویش گردیدند.

واقعیت ها از زبان زحمتکشان

نه تعاونی مصرف، نه غذا و نه هزینه تحصیلی فرزندان کارگران و نه سایر خدمات رفاهی برای کارکنان نیست. روزگار، عجب روزگار ریاکار پروری است، کارکنان اگر برای رفع مشکلاتشان به وی مراجعه کنند، چنان توپ و تشر می کند. اینان هیئت هم دارند و هر از چند گاهی در قصر یکی بر پا می شود. ظاهرش کاملاً هیئت عزاداری است، ولی در باطن به امور صنفی خود می پردازد و طریقه های مختلف استعمار (استثمار) کارگر را به هم می آموزند. نامه یک کارگر، ۱۷ آبان ۷۹

■ کارگران شرکت با انواع مواد شیمیایی کار می کنند و اغلب دچار بیماری های مختلف و بخصوص ریوی هستند. با چندین سال سابقه کار به صورت قراردادی و حداقل دستمزد تعیین شده بقول خودشان طبق قانون کار، کار می کنیم. با این حداقل دستمزد نمی توانیم حداقل نیازهای یک خانواده را تامین کنیم. در کشوری که بحث عدالت جهانی را مطرح کرده است، یک قشر عظیمی از جامعه در مضیقه هستند و از همه مزایای هستی محروم! کارگر پتروشیمی اراک، ۲۵ بهمن ماه ۷۹

■ در نیمه اول سال ۱۳۷۹، نزدیک به ۲۳۵۱ نفر با ارایه دادخواست در هیئت های تشخیص، طرح دعوی کرده اند که ۴۳۶ نفر به لحاظ اتمام قرارداد و اخراج انفصال خدمت پیدا کرده اند. فقط ۲۹ نفر با آراء هیئت های تشخیص اعاده به کار شدند. در هیئت های حل اختلاف نیز از نزدیک ۴۰۰ اعتراض، تعداد ۱۲۲ نفر اخراج و انفصال خدمت شده اند. مدیر کل کار استان اردبیل، ۶ دی ماه ۷۹

■ ما باید به فکر خودمان باشیم، چرا که کسی بفکر ما نیست. اگر تلاش و همفکری داشته باشیم می توانیم خیلی از کارهای سخت را آسان انجام دهیم. یکی از نمایندگان کارگران استان خوزستان، ۱۹ بهمن ۷۹

■ این همه کارخانه تعطیل شده و کارخانه های دیگر هم به تدریج در حال تعطیل هستند و هیچ حرکت کارساز و موثری تاکنون در این مورد صورت نگرفته است. در مقابل مشاهده می کنیم وقتی یک روزنامه تعطیل می شود، قریب به دوستان نفر نماینده مجلس به دنبال رایزنی و راه حل برمی آیند و این در حالی است که وقتی نمایندگان کارگر در غالب تشکل های قانونی [بخوان وابسته به رژیم] هم برای استیفای حقوق صنفی هزاران کارگر بیکار شده در صدد اقداماتی قانونی برای آینده می خواهند با چسپاندن بر چسب سیاسی به خواسته های صنفی، ما را ساکت کنند در اینحالت چه راهی جز اعتراض جمعی برای کارگر باقی می ماند. به نقل از جلسه هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی استان تهران، ۶ دی ماه ۷۹

■ کارگران که همواره از خداکارترین اقشار جامعه بوده اند با کمال تأسف همواره مورد بی مهری قرار گرفته و دولت هیچگاه آن توجه لازم را در خصوص رفاه کارگران و کوتاه کردن فاصله تبعیض آمیز دستمزد با نرخ واقعی تورم به عمل نیاورده است. کارگران استان کرمانشاه، ۳ بهمن ۷۹

■ سیاست های مدیر عامل سرمایه گذاری بانک ملی ایران در زمینه بازخریدی و اخراج ۲ هزار نفر از کارگران نساجی طبرستان قائم شهر، اقدامی غیر قانونی و غیر انسانی است. این اقدامات در سال امام علی اتفاق می افتد. جمعی از کارگران نساجی قائم شهر، ۲ آذر ماه ۷۹

آنچه در زیرگردآوری شده است، سخنان و نوشته های کارگران در مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی است، بیان واقعیت ها از زبان زحمتکشان به جای خود، نشانگر رشد و آگاهی و میزان انزجار آنان از رژیم ولایت فقیه است:

■ من ۹ ماه است حقوق دریافت نکرده ام و شرمند زن و بچه خودم هستم. چطور دولت می تواند با ۱۵۰ نفر کارگر اینطور برخورد کند (دستگیری و ضرب و شتم) اما با یک صاحب کارخانه قادر نیست برخورد کند. بعد از ۹ ماه حتی یک دهشاهی حقوق به من پرداخت نشده است، مسئول کیست؟ آیا برای احقاق حقوق خود باید با چوب ما را کتک بزنند؟ زندان هم می رویم، اسارت هم می کشیم اما بر احقاق حق خود اصرار می کنیم. کارگر کارخانه کفش سه ستاره، ۲ آذرماه ۷۹

■ لغو قراردادهای موقت کار، جلوگیری از خصوصی سازی و واگذاری واحدها و کارخانجات و تامین امنیت شغلی، خواست کارگران می باشد. از قطعنامه کارگران استان گلستان، ۲۵ دی ماه ۷۹

■ کارگران کارخانه از پایه حقوقی پابینی برخوردارند و بدون توجه به سابقه کار و میزان سنوات کاری حداکثر حقوق یک کارگر با ۲۵ سال سابقه کار، ۷۵ هزار تومان است. این در حالی است که به شرایط سختی کار و شرایط سنی توجهی نمی شود و حتی از مبلغی که به عنوان عیدی به کارگران پرداخت می شود، مالیات نیز کم می شود. اکنون با قرارداد سه ماهه کار می کنیم، در حالی که به فردای خود اطمینان نداریم و نمی دانیم که در پایان قرارداد آیا با ۸ سال سابقه کار در این کارخانه باقی خواهیم بود یا نه. مجلس از کارفرمایان حمایت می کند و عملاً از کارگر نشانی نمی بینیم. ما شاهد ورود بی رویه کالاهای خارجی با قیمت ارزان به کشور هستیم و این مساله باعث می شود که علاوه بر این که زحمت کارگران هدر می رود، اغلب کارخانه ها در آستانه ورشکستگی قرار می گیرند. کارگران گروه صنعتی اکباتان، ۱۸ بهمن ماه ۷۹

■ بزرگترین مشکل کارگران استان سیستان و بلوچستان خصوصی سازی و واگذاری خدمات و پشتیبانی به واحدهای خصوصی است. نسخه های پیچیده شده توسط شورای عالی اداری و سازمان امور اداری و استخدامی کارساز و کارگشا نیست. کارخانه های پوشاک زابل، شرکت قطعات پیش ساخته زاهدان و کشت و صنعت گوهر کوه بلوچستان یا تعطیل و یا در آستانه تعطیلی هستند و قادر به پرداخت حقوق کارکنان نیستند. نماینده کارگران استان سیستان و بلوچستان، ۱۸ دی ماه ۷۹

■ ما امضاء کنندگان ذیل عده ای از کارگران جوان شرکت تعاونی چند منظوره کارکنان ذوب آهن اصفهان، که به طور متوسط چهار سال از بهترین دوران زندگی و جوانی خود را برای کار در این کارخانه (ذوب آهن) مصروف داشته اند، با تصمیم ناعادلانه و غیر قانونی مدیریت شرکت مواجه و امنیت شغلی خود را از دست داده ایم. ما در قسمت ساخت و تولید قطعات در کارگاه ۲۱ بعنوان مونتاژ کار و جوشکار انجام وظیفه می کردیم، اخیراً با تصمیم اخراج روبرو شدیم و سرنوشت خود و خانواده هایمان در هاله ای از ابهام فرو رفته است. این تصمیم با شعار و سیاست اشتغال آقای خاتمی در تضاد قرار دارد. نامه عده ای از کارگران شرکت تعاونی چند منظوره ذوب آهن اصفهان، ۲۷ آذر ماه ۷۹

■ در کشور ما همیشه بایستی کارگران با تحمّن و اعتراض به دنبال احقاق حقوق خود باشند. در حالیکه هیچ اداره یا سازمان دولتی با چنین مشکلاتی روبرو نیست. جمعی از کارگران استان خراسان، ۴ بهمن ماه ۷۹

■ ما هر روز شاهد آواره شدن کارگران زیادی هستیم که این بیکاری مزمن یعنی قتل عام کارگران. اگر بخواهیم جلوی این قتل عام را بگیریم باید بکوشیم تا قدرت سیاسی بیشتری را در عرصه های تصمیم گیری به دست بیاوریم. نباید بنشینیم تا دیگران بگویند و یا تابع تصمیم دیگران باشیم. از سخنرانی کارگران استان تهران، ۲۲ آذر ماه ۷۹

■ من برای کسی کار می کنم که حدود سه الی چهار شرکت در تهران و شهرستان دارد و اسمش ترکیب نام دو پیامبر و فامیلش جمع نام یکی از بزرگان رویداد عاشورا است و چند بار هم مکه رفته است. در شرکت او نه سرویس ایاب و ذهاب، نه تعاونی مسکن،

مبارزه برای لغو قراردادهای موقت

یکی از جنبه های فوق العاده با اهمیت در مبارزه جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما در سال گذشته، پیکار برای لغای کامل قراردادهای موقت کار بود. قانون قراردادهای موقت و رواج چشمگیر آن در سراسر کشور و صنایع بزرگ و کوچک سبب شده است که به منافع شغلی و مجموعه حقوق بگیران لطمات جبران ناپذیری وارد آید. این قراردادها که جزء جدایی ناپذیر طرح کلی تامین امنیت سرمایه تجاری به شمار می آید به سرمایه داران داخلی و خارجی امکان می دهد تا نیروی کار ارزان و مطیع به منظور کسب سود بیشتر در اختیار داشته باشند. با عقد این نوع قراردادها سرمایه داران از رعایت هرگونه شروط قانونی معاف شده اند، و هر زمان که بخواهند می توانند قرارداد را پایان یافته اعلام کرده و بدون پرداخت هیچ حق و حقوقی کارگران را اخراج کنند.

بر اساس آمار منتشره، در حال حاضر نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر با قراردادهای موقت، در بدترین شرایط ممکن، در چهار گوشه کشور به کار اشتغال دارند و از ابتدایی ترین حقوق خود نیز محرومند. شرکت های خصوصی و پیمانکاران، با حمایت مستقیم دولت، با عقد قراردادهای موقت، نه تنها به ثروت اندوزی به بهای فقر و محرومیت زحمتکش مشغولند، بلکه با توسل به این قراردادها قدرت هرگونه اعتراضی را نیز از آنان گرفته اند و کوچک ترین مقاومت و مخالفت زحمتکش را با اخراج پاسخ می دهند.

در این خصوص، حسین کمالی، وزیر کار و امور اجتماعی، در تاریخ ۱۸ دی ماه ۷۹، طی دیداری با اعضای شوراهای اسلامی کار کارخانجات ساوجبلاغ و محور جاده قدیم کرج، با اعتراف به رواج چشمگیر قراردادهای موقت و مخالفت جدی زحمتکش با آن از جمله یادآور شد: «سوء استفاده از قراردادهای موقت کار امنیت شغلی کارگران را تهدید می کند و در آینده ای نزدیک پیامدهای سوء اجتماعی و اقتصادی به همراه خواهد داشت.»

همانطور که قبلا اشاره شد، قراردادهای موقت بخشی از برنامه تامین امنیت سرمایه قلمداد می گردد. این سیاست از دوران ریاست جمهوری، هاشمی رفسنجانی، باقی مانده و اکنون توسط خاتمی ادامه پیدا کرده است. در واقع این قراردادها و سیاست خصوصی سازی لازم و ملزوم یکدیگرند.

کارخانجات و واحدهایی که به بخش خصوصی واگذار می شوند، ابتدا و به طور ضربتی شامل تعدیل نیروی انسانی می گردند. در ادامه سیاست اخراج تحت عنوان تعدیل، کارفرمایان با ترفندهای گوناگون، کارگران اخراج یا بازخرید شده را با اعمال انواع فشارها، وادار می سازند در اثر احتیاج، تن به امضاء قراردادهای موقت بدهند. کارگرانی که به این شکل دوباره استخدام می شوند، هم دستمزدی پایین تر از پیش دریافت می دارند و هم از کلیه حقوق قانونی و مشروع از قبیل بیمه درمانی، حق بازنشستگی، عائله مندی و جز اینها محروم می شوند و بدست مورد استثمار قرار می گیرند. نکته جالب و دردناک اینجاست که به لحاظ مدت، این قراردادها که پایین تر از حد نصاب قانون کار یعنی برای ۹۰ روز به امضاء می رسند، پس از پایان دوباره تجدید می شوند و این مساله حتی سال ها ادامه پیدا می کند. اکنون در بسیاری از واحدهای صنعتی و خدماتی کارگرانی به چشم می خوردند که بین ۵ تا ۱۰ سال است بصورت قراردادی استخدام شده اند و تحت شرایط فوق العاده بی رحمانه کار می کنند. حزب توده ایران بارها تاکید کرده است، مجموعه سیاست هایی که تحت عنوان جلب و جذب سرمایه و تامین امنیت سرمایه در میهن ما به مورد اجرا گذارده شده، پیامدهای بسیار دردناک بر زندگی و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان باقی می گذارد. رواج قراردادهای موقت نتیجه اجرای این گونه سیاست ها به شمار می آید.

طی دو سال گذشته، برخی از مهم ترین حرکات اعتراضی کارگران در مخالفت با این نوع قراردادها بود. اعتصاب کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان و کارگران مجتمع جامعه صادق مشهد، سلسله اعتراضات پردامنه کارگران شهرداری تهران و همچنین اعتصابات و تحصن های متعدد کارگری در استان های گیلان، مازندران و آذربایجان شرقی از زمره این اقداماتند. در این خصوص چندی پیش علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر یعنی تشکیلات وابسته رژیم در امور کارگری یادآور گردید: «کارهای قراردادی و پیمانی در قالب قراردادهای موقت کار در کشور از مصادیق بارز بهره کشی از کارگران است. اکنون بیش از ۱۰۰۰ شرکت «آدم فروشی» در کشور مشغول کارهای پیمانی هستند، لیکن هیچکس کوچکترین اعتراضی به آنها نمی کند. چگونه است که همه از امنیت سرمایه در کشور دم می زنند، اما کسی نگران امنیت شغلی کارگران نیست، بحث امنیت سرمایه حرف صاحبان سرمایه هاست که، عمدتا خواهان سود بیشتر هستند و برخی مسئولان و سیاست مداران نیز مدام این حرف ها را تکرار می کنند، این در حالی است که، سرمایه در کشور ما در نهایت امنیت است. پس ۱۵ هزار میلیارد پول در بانک ها چه می کند؟ امنیت سرمایه به قیمت ناامنی کارگر پدیده ای استثمارگرانه است.»

سخنان محبوب نشانگر ژرفای نارضایتی زحمتکش از وضعیت موجود و به ویژه قراردادهای موقت کار است. روزنامه کار و کارگر به تاریخ ۱۵ شهریور ماه، در گزارشی از فعالیت شرکت های خدماتی، و رواج قراردادهای موقت، از جمله از قول کارگران نوشت: «از دید بیکاری در جامعه باعث سوء استفاده بعضی از شرکت ها و پایمال شدن حق و حقوق کارگران شده است، انعقاد قراردادهای کوتاه مدت و موقت و تمدید آن بصورتی دلخواه و اخذ امضاء از کارگران در ابتدای اشتغال به کار در اوراق سفید و نانوشته از جمله ستم و ظلم های خدماتی است.»

به این ترتیب، کاملاً روشن است که مبارزه برای لغو قراردادهای موقت کار از زمره خواست های جدی و اساسی جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما در وضعیت کنونی است. مبارزه در این عرصه را باید سازمان دهی کرد و شعار و خواست انعقاد قراردادهای دستجمعی را بطور گسترده به میان زحمتکش برد.

طبقه کارگر ایران خواستار لغو قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای دستجمعی و تامین امنیت شغلی کلیه زحمتکشان کشور است.

بر سکوی ماه مه

می آید
از فراز خیزابه های خون
- بی تشویش باد و مباد جان -
از درون گرد باد جنگ و جنون.

می آید
پیمان کرده
پیوند زده
پیکار کرده و پیروزی آورده
که خود
پیک و پیامید
شایسته نامید!
می گذرید بر فرشی از لاله
از دل دالان آفرین و هلهله
بر می آید و
می استید
بر سکوی افتخار اول ماه مه
تا شاهان
از پیشگاهتان
بگذرند و سرمایه داران.

ای خدا وارگان
ای کارگران که دست شما راست
تردستی آفرینندگی:
تراش آهن و سنگ
ساز سقف و ستون
برش به هنگام براندام زندگی
و رهانیدن حیات از برهنگی.

نیاتان نعلبند بود
شما چلنگر.
فرزندانتان موشک خواهند ساخت
آی چه والا که شما بید:
اسبی رهوار کردن
قفل کشودن
و آسمان را پوییدن.

این بس
که بازوان بگشاید و
جغرافیای جهان
در آغوشتان باشد.

می شناختم
شمایان را به بوی شمایان
و نه بوی شبنم عرق
که بر مفرغ اندامتان می نشست
نه به بوی روغن چرخ و دستگاه
و نه حتی به بوی نفت
که پیشاپیش شما می دوید
می شناختم
به عطر کار
که از هزار ابزار می تراوید.

و اینک می بینمتان
نه در سایه پرچم های سرختان
نه در صف بی پایانتان
که در گریز دشمن و هراس آن چشمان
که ارزیابی تان می کنند
با دقت دلانگان
و می اندیشم که چه خواهد شد اگر
متحد شوید!
اگر متحد شوید
کارگران ایران!

نگاهی به رویدادهای جهان در هفته ای که گذشت

ویتنام آمریکا را محکوم می کند

حزب کمونیست ویتنام، طی اطلاعیه ای، دخالت دولت بوش را در امور داخلی این کشور محکوم کرد و سیاست های دولت آمریکا در مقابله با ویتنام را تبهکارانه خواند. در این اطلاعیه آمده است که، سیاست خارجی ایالات متحده، از خاور میانه گرفته تا کیوتو و طرح جدید اتهام جاسوسی و متهم کردن چین به جاسوسی علیه ایالات متحده، هر روز بیشتر از گذشته خشن تر و تجاوز کارانه تر می شود. «فقط دولت ایالات متحده، بویژه دولت جدید تحت رهبری بوش در یکصدمه روز گذشته، می توانست چنین نقش تبهکارانه و خشن را ایفا کند.» در جریان اغتشاش هایی که در فوریه امسال در یکی از شهر های نزدیک به کامبوج رخ داد، ۲۴ نفر از تظاهر کنندگان به کامبوج فرار کردند و ایالات متحده با ترتیب دادن تبلیغات وسیع علیه ویتنام، به این گروه پیشنهاد پناهندگی داد. اطلاعیه متذکر می شود که «ایالات متحده با سیاست های تجاوز کارانه در امور داخلی ما مداخله می کند و با گستاخی تمام به آشوب ها دامن می زند و شورش ها و مهاجرت های غیر قانونی را ترغیب می کند... دولت جدید آمریکا در تلاش است تا سیاست خارجی خود را خشن تر کند و تحت پوشش «حقوق بشر» به سرکردگی خود ادامه دهد.»

دولت ویتنام همچنین با محکوم کردن سیاست آمریکا در مقابله با چین و اتهام جاسوسی علیه این کشور، ماجرای هواپیمای جاسوسی آمریکایی را بخشی از روند خشن تر کردن سیاست خارجی آمریکا خوانده و اضافه می کند: «دیدگاه ایالات متحده در مورد «حقوق بشر» مبنی بر داشتن حق کامل برای انجام هر اقدامی است، بدون آنکه کسی اقدامی متقابل علیه این کشور انجام دهد. آمریکا خود را محق می داند تا در امور دیگران دخالت کند و به جاسوسی بپردازد.»

در این اطلاعیه از تلاش «بیل کلینتون» رییس جمهور سابق آمریکا، برای عادی شدن روابط دو کشور پشتیبانی شده است و آن را حرکتی مثبت در راه کاهش تنش بین دو کشور خوانده است، هرچند که هنوز اقدامی عملی در اجرای قرار دادهای تجاری به امضاء رسیده، صورت نگرفته است. دولت بوش در چند هفته اخیر با اتخاذ سیاست ایجاد تنش در میان کشورهای گوناگون و نادیده گرفتن توافق نامه های قبلی و بویژه آنهایی که در اواخر حکومت دولت کلینتون در رابطه با عادی شدن روابط این کشورها با ایالات متحده تدوین شده بود، به افزایش تنش در روابط این کشورها با آمریکا دست زده و در صدد فسخ این توافق نامه ها است. نتیجه این سیاست، علاوه بر افزایش تنش در جهان، شرایط را برای گسترش نظامی گری تقویت می کند، آنچه که هدف نهایی انحصارات عظیم اسلحه سازی است.

پیروزی کمونیست ها در مولداوی

«ولادیمیر ورونین» دبیر اول حزب کمونیست مولداوی،

در انتخابات ریاست جمهوری این کشور به پیروزی رسید. مولداوی نخستین کشور از کشورهای اتحاد شوروی سابق است که در آن حزب کمونیست دوباره قدرت را بدست گرفته است.

چند ماه پیش نیز حزب کمونیست با پیروزی در انتخابات مجلس و با بدست آوردن ۷۱ کرسی از ۱۰۱ کرسی مجلس، کنترل مجلس را بدست گرفته بود و اکنون ولادیمیر ورونین، به نمایندگی از حزب کمونیست با کسب اکثریت آراء به ریاست جمهوری انتخاب شد.

ورونین پس از انتخابات قول داد که مولداوی را به سوی ثبات اقتصادی و سیاسی هدایت کند و گفت: «طی ده سال گذشته، که با تخریب و تغییر مالکیت (خصوصی سازی) همراه بود، مولداوی به سمت فقر و فاجعه انسانی کشانده شد. ما وظیفه داریم تا کشور را از یک کشور تضعیف شده و عقب نگهداشته شده، بدون پیروی کردن از هیچ قدرت خارجی، به سوی یک کشور فعال و مدرن تبدیل کنیم.»

ورونین پس از پیروزی در انتخابات، از تمامی نیروهای سیاسی کشور دعوت کرد تا برای حل مشکلات کشور همکاری کنند.

اقتصاد مولداوی، پس از جدایی از اتحاد شوروی، دچار رکود شدید شد و طی ده سال گذشته توان اقتصادی آن به یک سوم کاهش یافت. در حال حاضر این کشور با داشتن ۴۰۰ دلار در آمد سرانه یکی از فقیرترین کشورهای اروپایی است و بیش از ۸۰ درصد مردم با درآمدی معادل یک دلار، در فقر شدید به سر می برند.

کارگران ترکیه علیه ترنندهای اقتصادی دولت

بدنبال بحران عمیق اقتصادی ترکیه که در فوریه امسال باعث سقوط ارز این کشور در برابر دیگر ارز های خارجی شد، دولت این کشور طرح اقتصادی جدیدی را معرفی کرده است که در آن مدعی شده است که می تواند با این برنامه از تمسیق بحران اقتصادی جلوگیری کند.

«کمال درویش» وزیر جدید اقتصاد، با ارایه آمار غیر واقعی اظهار امیدواری کرده است که اقتصاد ترکیه در سال آینده ۵ درصد رشد داشته

باشد. همزمان نیز اعلام کرد که در آمد سرانه ۳ درصد کاهش خواهد یافت و قبل از پایان سال جاری کشور با تورم ۵۰ درصدی روبرو خواهد شد. رشد اقتصادی در برنامه درویش متکی به دریافت مبلغی به مقدار ۱۲-۱۰ میلیارد دلار از کشورهای خارجی است تا بوسیله آن بتواند با ایجاد تغییرات ساختاری در بازرگانی و صنعت، اعتماد سرمایه های خارجی را جلب کند. از سوی دیگر وی اعلام کرد که هیچ استخدامی در ارگان های دولتی صورت نخواهد گرفت و نیاز به صرفه جویی در خدمات عمومی است.

«بایرام مرال» رهبر بزرگترین اتحادیه کارگری ترکیه، در این مورد گفت که این برنامه از طرف صندوق بین المللی پول طراحی شده است و در دراز مدت نمی تواند مشکلات اقتصادی ترکیه را حل کند. این برنامه زمانی طرح می شود که بیکاری رشد فزاینده ای داشته است و قدرت خرید مردم بطور فاحش کاهش یافته است.

در اعتراض با طرح اقتصادی جدید، شنبه گذشته بیش از ۴۰ هزار نفر از کارگران ترکیه دست به تظاهرات زدند و سیاست های اقتصادی دولت را تبه کارانه خواندند. در این تظاهرات کارگران پلاکاردهایی به همراه داشتند که از جمله بر روی آنها نوشته شده بود، «صندوق بین المللی پول یعنی بیکاری و گرسنگی» و «کارگران و کارمندان را نجات دهید نه بانکداران ورشکسته را». لازم به یاد آوری است که در فوریه گذشته بر اثر سقوط ارزش لیره، بیش از نیم میلیون نفر بیکار شدند و انتظار می رود تا با تحمیل شرایط صندوق بین المللی پول برای واگذاری وام جدید، تعداد بشمار دیگری به صف بیکاران بیوندند.

خواست بوش برای پایان مقاومت فلسطین در برابر اسرائیل

از زمان شروع قیام انتفاضه در سپتامبر ۲۰۰۰ بیش از ۴۰۰ فلسطینی و ۷۱ اسرائیلی کشته شده اند و از ۱۲۰۰۰ نفری که زخمی شده اند بیش از ۹۵ درصد آنها فلسطینی هستند، اما با اینحال خبرگزاری های بزرگ جهان و نشریات غربی مانند نیویورک تایمز، CNN و ABC با «نادیده گرفتن» فلسطینی ها، دم از «جنایات فلسطین علیه اسرائیلی ها می زنند. این در حالی است که اسرائیل با بیش از ۲۰۰۰۰۰ سرباز در نوار غزه و کرانه غربی مستقر هستند و ایالات متحده از آنها پشتیبانی می کند، در حالیکه فلسطینی ها از پشتیبانی قانونی سازمان ملل برخوردار هستند ولی بررغم پشتیبانی اکثریت کشور های جهان از مبارزات فلسطینی ها، آمریکا تمامی قطعنامه های ارایه شده علیه اسرائیل را وتو کرده است.

آمریکا درخواست فلسطین برای استقرار نیروهای صلح سازمان ملل در مناطق اشغالی، را که اسرائیل با آن بدلیل اینکه حضور این نیروها می تواند تبه کاری های این کشور را فاش کند با آن مخالف بود، وتو کرد.

سازمان ملل در قطعنامه های متعدد خود، از جمله ۲۴۲ و ۳۳۸، از اسرائیل خواسته است تا نیروهای خود را از نوار غزه و کرانه غربی خارج کند، اما به جای آن اسرائیل با ضمیمه کردن شرق بیت المقدس و بخش

طبقه کارگر، در صف مقدم مبارزه جهانی برضد امپریالیسم

ادامه نگاهی به رویدادهای جهان

بزرگی از نوار غزه و خانه سازی در آنها، بسیاری از اسرائیلی ها را به این مناطق منتقل کرده است و بررغم اخطار های سازمان ملل، هیچ تحریم اقتصادی و اقدام نظامی علیه اسرائیل صورت نگرفته است.

در چنین شرایطی، روز ۲۹ مارس، جرج بوش و وزیر خارجه آمریکا، کالین پاول، به فلسطین اخطار کرده اند تا «به خشونت پایان دهد» در حالیکه اسرائیل را به مقاومت ترغیب می کنند.

یک خبر نگار ناشناس در گزارشی که تهیه کرده است، اوضاع را چنین ترسیم می کند: «آنچه که من شاهد آن بودم، گسترش ساختمان سازی، غارت زمین ها و منابع فلسطینی ها و اشغال تبهکارانه محل زندگی میلیون ها فلسطینی است. کودکان فلسطینی توسط سربازان و اسرائیلی های ساکن در مناطق اشغالی، کشته و زخمی می شوند، در حالیکه رسانه های غربی آن را حادثه ای عادی در جنگ جلوه می دهند.»

مفهوم «پایان خشونت» برای آمریکا و اسرائیل، پایان دادن به انتفاضه برای شروع مذاکراتی است که اسرائیل از قبل تصمیم خود در رابطه با نتیجه آن را گرفته است، اما برای فلسطینی ها پایان بخشیدن به انتفاضه در شرایط کنونی به مفهوم از دست دادن همه چیز است.

تا کنون آمریکا و اسرائیل به تمامی پیشنهاد های اصلی فلسطین «نه» گفته اند. «نه» به تشکیل دولت واقعی، «نه» به کنترل شرق بیت المقدس، «نه» به بازگشت ۵ میلیون آواره فلسطینی برای بازگشت به فلسطین، و ...

به نظر مردم فلسطین صلح واقعی در خاور میانه تنها زمانی عملی خواهد شد که حقوق واقعی مردم به رسمیت شناخته شود. حقوق واقعی به معنای حداقل آن داشتن دولت مستقل با تعیین حدود مرزی آن و داشتن اختیار کامل برای حفظ و حراست آن، بیت المقدس به عنوان پایتخت و حق بازگشت برای تمامی فلسطینی ها است.

اند، بیش از ۷۵ درصد آنها از هر گونه مزایای بیکاری محرومند.

به بیان دیگر، فقر در جهان رو به افزایش است و فاصله میان فقر و ثروت و «شمال و جنوب» در افزایش است. این نتیجه سیاست های اقتصادی سرمایه داری است و بحران های کنونی که گریبانگیر سیستم سرمایه داری است، بر وخیم تر شدن اوضاع دامن زده است.

سیاست های جدید امپریالیسم را که تحت نام «جهانی شدن» صورت می گیرد، می تواند چنین خلاصه کرد:

انحصار فن آوری، انباشت هرچه سریعتر و بیشتر سرمایه، تحت کنترل گرفتن بازارهای جهان برای صدور کالا و تولید و مصرف، تحمیل سیاست های اقتصادی و سیاسی به سایر کشورهای جهان.

سیمای جهانی امپریالیسم در چارچوب «نظم نوین جهانی» آن، یعنی بی عدالتی، زور و ستم از سوی اقلیتی بسیار محدود بر اکثریتی عظیم، چنین وضعیتی نمی تواند در دراز مدت قابل دوام باشد. آنچه که از تجربه سده اخیر بر می آید، این است که سرمایه داری مسلماً نمی تواند هیچ یک از مشکلات ایجاد شده در زمینه رفاه مردم را رفع کند، چرا که سرمایه داری خود عمده ترین عامل به وجود آمدن مشکلات کنونی است.

مبارزه با یکه تازی و سرکردگی امپریالیسم در گوشه و کنار جهان مدت هاست که آغاز شده است و هر روز شتاب بیشتری می گیرد. امتناع اکثریت مردم کشورهای اروپای شرقی از پذیرش سرمایه داری، تلاش مشترک کشورهای جهان سوم، از جمله در آمریکای لاتین، گسترش مبارزه نیروهای مترقی جهان در چند سال گذشته به صورت اعتراضات گسترده به سیاست های مخرب، مداخله جویانه و تحمیلی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، اعتراض به سیاست های جنگ طلبانه ایالات متحده و نظامیگری در جهان، بویژه در مقابله با ایجاد «سیستم دفاع ضد موشکی» آمریکا، همبستگی گسترده میلیون ها انسان با مردم کوبا و ایستادگی آنها در مقابل زور گویی های آمریکا، افزایش نفوذ احزاب کمونیست در جهان و به ویژه در کشورهای سوسیالیستی سابق، پیروزی احزاب کمونیست مغولستان و مولداوی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، همگی نشان دهنده رشد جنبش های مردمی بی استیصال است که حاضر به پذیرش «نظم نوین» جهانی نیستند.

کارگران جهان با درک واقعی از اوضاع کنونی، در صف مقدم مبارزه با سیاست های امپریالیستی قرار دارند، که به ویژه از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به کشورهای جهان تحمیل می شود.

پایان قرن گذشته، بر خلاف آغاز پربار و پیروز آن، سال های بغرنج و تلخی برای نیروهای کارگری و دمکراتیک در سراسر جهان بود. درده پایانی قرن گذشته ما شاهد «پیروزی» امپریالیسم، در پی متلاشی شدن اتحاد شوروی و تغییر سیستم حکومتی در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی بودیم. دهه بی که با عقب نشینی نیروهای چپ در عرصه جهانی و تعرض وسیع امپریالیسم برای غارت بیشتر و تحکیم قدرت آن همراه بود. امپریالیسم با اعلام «مرگ» سوسیالیسم، سرمایه داری را راه نجات کشورها از بحران های اقتصادی خواند و تحت نام «جهانی شدن»، برنامه «نظم نوین جهانی» را برای درمان بحران های کنونی ارائه داد.

اما در حالی که امپریالیسم از پیروزی و تحمیل سرکردگی خود سرمست است، ما شاهد گسترش مبارزات مردمی برضد سیاست های آن در سراسر جهان هستیم. این مبارزات و مقاومت ها از سوی تمام کسانی صورت می گیرد که شاهد قربانی جنایت های اقتصاد «بازار آزاد» اند. «بازار آزاد» ی که فقر، بی خانمانی، بیکاری، گرسنگی، بیماری و مرگ را به همراه داشته است و هر روز نیز بیشتر از گذشته، تعداد بی شمار دیگری را در منجلاب خود غرق می کند و به نابودی سوق می دهد. این مبارزه از طرف میلیونها انسانی که طی دهه گذشته، در سراسر جهان بیکار شده اند و امید به کسب شغل جدید را از دست داده اند، ادامه می یابد. ده سال گذشته با افزایش فقر، بیکاری و بیماری برای بسیاری از مردم کره خاکی ما همراه بوده است و شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم وخیم تر شده است.

طی دهه گذشته، بررغم تبلیغات وسیع امپریالیست ها و «وعده های شیرین» آنها در مورد «مزایای» اقتصاد بازار آزاد، و مداخله در مورد مواهب جهانی شدن، هشتاد کشور جهان در مقایسه با آغاز سال ۱۹۹۰، فقیرتر شده اند. بنا به گزارش سازمان جهانی کار، که در ژوئن سال گذشته انتشار یافت، بر اثر سیاست های جهانی شدن، بیکاری و فقر در کشورهای رو به رشد، افزایش یافته است. همین گزارش متذکر می شود که:

۱. یک چهارم از جمعیت ۶ میلیاردی جهان بادر آمدی کمتر از روزانه یک دلار زندگی می کنند.
۲. طی پنج سال گذشته به تعداد افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند، ۲۰۰ میلیون نفر افزوده شده است.
۳. در کشورهای رو به رشد جهان، قریب یک سوم مردم به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.
۴. بیش از ۴۰ درصد مردم در آسیا و آفریقا در زیر خط فقر زندگی می کنند و این تناسب بطور مستمر رو به افزایش است.
۵. از ۱۵۰ میلیون کارگری که در جهان بیکار شده

کمک های مالی رسیده

الف- غنی از سوئد ۲۰۰۰ کرون
به یادر رفیق گودرز بیدلی از سوئد ۷۰۰ کرون

آدرس ها: 24 April 2001

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 607
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما

نام IRAN e. V.
شماره حساب ۷۹۰۰۲۰۵۸۰
کد بانک ۱۰۰۵۰۰۰۰
بانک Berliner Sparkasse